

نگاهی بر نظریه

تکامل روح

شباهتها و اختلافات آن با

تناسخ و رجعت

جمع آوری: سپهر محمدی

Sepehr@Mohamadi.Name

ویرایش تیر ۸۶

آدرس مقاله روی اینترنت: <http://Sepehr.Mohamadi.Name/takamol.pdf>

فهرست عناوین:

مقدمه

نظریه تکامل روح توسط چه کسانی ارائه شده است؟

ادعاهای نظریه تکامل روح چیست؟

۱- ارواح و کلیه موجودات چه قبل از مرگ و چه پس از آن در حال تکاملند.

دلایل قرآنی

دلایل تجربی

نمودار تکامل صعودی موجودات

۲- عودت روح به بدن دیگر پس از مرگ و قبل از قیامت

دلایل قرآنی

دلایلی از انجیل

دلایل تجربی

۳- دیدن نتیجه برخی از اعمال نیک و بد در زندگیهای بعدی

دلایل قرآنی

دلایلی از انجیل

دلایل تجربی

۴- زندگی روح در عوالم روحی یا برزخ در زمان بین دو زندگی

دلایل قرآنی

دلایلی از انجیل

دلایل تجربی

طبقه بندی ارواح به هفت گروه یا عالم به هفت طبقه

گزارشات ارواح از طبقات مختلف

چرا از طبقات بالا خبر چندانی نداریم؟

۵- تعیین تکلیف وضعیت روح پس از مدت معین و ارجاع روح به بهشت یا جهنم ابدی

وجود دلایل غیبی

وجود قرائن تجربی

شباهتها و اختلافات نظریه تکامل روحی با تناسخ

شباهتها و اختلافات نظریه تکامل روحی با رجعت در شیعه

چرا نظریه تکامل روح در شرایع اولیه انکار شده است؟

چرا امروز نیازمند این بحث هستیم؟

مرجع ۱- آیات قرآنی

مرجع ۲- آیات انجیل

مرجع ۳- احادیث اسلامی

مرجع ۴- کتابهای مورد استفاده

مرجع ۵- بریده برخی کتابها

مرجع ۶- نمودارها

بنام یگانه هستی بخش

ما در میان شما مرگ را مقدر ساختیم؛ و هرگز کسی بر ما پیشی نمی‌گیرد! تا گروهی را به جای گروه دیگری بیاوریم و شما را در جهانی که نمی‌دانید آفرینش تازه‌ای بخشیم! (واقعه ۶۰ و ۶۱)

مقدمه

در فرهنگهای بسیاری چون فرهنگ هندی و چینی برای سالیان متمادی تناسخ ارواح و حلول روح پس از مرگ به بدن دیگر جزء اصول قطعی قلمداد می شده است.

اکنون و با ورود بشر به هزاره سوم از طریق علوم تجربی مانند ارتباطات فیزیکی با ارواح و همچنین استفاده از خواب مغناطیسی یا هیپنوتیزم این موضوع مجدداً بشر نوین را برای پاسخ به سوال همیشگی خود که "ما از کجا آمده ایم و به کجا می رویم و آمدنمان برای چه بود؟" به خود مشغول کرده است.

ولی همانطور که می دانید ادیان الهی (حداقل در ظاهر) چنین تصویری به کلی باطل و گاهی در حد کفر قلمداد کرده اند.

نگارنده مدتی پیش با کتاب واثر ارزنده دکتر مایکل نیوتن کتاب "سفر روح" آشنا گردید. از آنجا که این کتاب بسیار قوی و جامع الاطراف و با ریز بینی و دقت بسیار نگاشته شده است و در بین کتب مشابه در این زمینه جدا یک استثنا است، ذهن نگارنده به شدت تحت تاثیر آن قرار گرفت.

اما مطالب و ادعای این کتاب به حدی با مجموعه اعتقادی، باورها و جهانبینی نگارنده در تضاد بود که اکنون ماههاست هر اثری در علوم اسلامی و مسیحیت و فرهنگ بودائی و همچنین در علوم روحی و هیپنوتیزم که ارتباطی با زندگیهای متوالی یا آنچه که از آن در این مقاله به نظریه تکامل ارواح مربوط می شده است، و در دسترس قرار گرفته است، مطالعه کرده، تا راه حلی برای تناقض یاد شده پیدا کند.

حاصل این تلاش مقاله ایست تطبیقی که در اختیار شماست.

در این مقاله علاوه بر آیات قرآنی و احادیث اسلامی به آیات انجیل نیز اشاره شده است.

از آنجا که جبهه مشترک حمله معتقدین به تناسخ عملاً ادیان الهی به نظر می رسد و همچنین با کشف اناجیل جدید در یکی دو قرن اخیر که حاوی حقانیت دعاوی اسلام در مورد به صلیب نرفتن مسیح و نیز عدم ادعای الوهیت توسط وی (معاذ الله) می باشد و نیز همخوانی کتب کشف شده جدید و نیز اعتقادات مسیحیان اولیه با نظریه تکامل ارواح چنین تصمیمی گرفته شد.

مواجهه با نتایج چنین تحقیقی که حاکی از سازگاری فرامین و تعالیم شرایع الهی به اصل زندگیهای متوالی و تکامل و حتی تأیید بر آن است حتماً برای خوانندگان پایبند به مبانی شریعت سخت و سنگین خواهد بود، همانطور که برای نگارنده بوده است. ولی عهد الهی ما مبنی بر پایبندی همواره به حق و حقیقت، همه ما را بر آن می دارد که در چنین مواردی خاشع باشیم و از میان سخنان مطرح شده، نیکو ترین آن را انتخاب کنیم.

توجه همه خوانندگان را به این موضوع جلب می‌کنم که ترجمه قرآن مجید با اصل آن فاصله دارد و ترجمه انجیل نیز، صرف نظر از تغییرات احتمالی، پس از سه بار ترجمه از عبری به یونانی و از یونانی به انگلیسی و از انگلیسی به فارسی به دست ما رسیده است.

ضمناً درک معانی کلمات تعالیم الهی پس از ۱۴۰۰ سال یا ۲۰۰۰ سال به همان مفاهیمی که در زمان نزول مورد نظر بوده است، حتماً سخت و مشکل است.

نگارنده می‌توانست در ترجمه‌های مرسوم دست برده و آیات را بدون تعارض با امانتداری و با پایبندی کامل به دستور زبان عربی به گونه‌ای که همخوانی بیشتری با ادعاهای این مقاله دارد ترجمه کند، ولی این کار را به خوانندگان حق جو و موشکافی می‌سپارم که یک اشاره برای آنان کافی است.

ضمناً در مورد گزارشهای ارواح بعضی وقتها روح فرد گزارش دهنده خود هنوز روح مترقی نیست و دانش کافی و کاملی ندارد و ممکن است برخی موارد را اشتباه بیان کند این البته خلاف تصور مرسوم است که گمان می‌کنند که در کلیه آگاهیها به روی ارواح گذشته باز شده است.

لذا خواهش من از خوانندگان آن است که بیشتر در پی مفاهیم ارائه شده از پس کلمات استفاده شده باشند.

درود بر آن کس که از هدایت پیروی کند

سپهر محمدی

تیر ۸۶

نظریه تکامل روح توسط چه کسانی ارائه شده است؟

پایه گذاری علم نوین روحی را عملاً می توان به آلن کاردک در قرن نوزدهم نسبت داد. آلن کاردک شاید اولین کسی است که در صده های اخیر نگاهی علمی و غیر خرافی به این پدیده داشته و دست آوردهای خود را که عمدتاً نیز در واقع تقریر ارواح است منتشر کرده است. دو کتاب وی با عناوین "کتاب ارواح" به ترجمه دکتر محسن فرشاد و نیز "کتاب مدیومها" به ترجمه حسن سعد به فارسی نیز ترجمه شده است. آلن کاردک برای اولین بار عملاً قوانین و روابطی را به که به واسطه آنها می توان با ارواح ارتباط برقرار کرد و از نتایج منفی احتمالی آن نیز بر کنار بود ارائه کرد.

در ایران حسن رهبر زاده با تاسیس انجمن علوم روحی و حدود بیست کتاب در این زمینه از پایه گذاران این علوم در ایران است.

رهبرزاده نیز چون آلن کاردک در ارتباط روحی با روح نگهبان و نیز روح پدرش معرف زیادی از آنان یاد گرفته است که در آثار وی منعکس است.

همچنین دکتر بهرام الهی نگاهی بسیار مدرن و منطقی بدون به این موضوع نموده است. دکتر بهرام الهی تحصیلاً پزشکی خود را در پاریس به پایان رسانده و سالها استاد آناتومی در دانشگاه تهران بوده است و اکنون گویا در پاریس به سر می برد و پدرش استاد الهی بسیاری از این تعالیم را در مکاشفات خود به دست آورده و در اختیار فرزندش قرار داده است.

از دید نگارنده کاملترین و مدونترین تعاریف از نظریه تکامل ارواح تا کنون توسط دکتر بهرام الهی که عملاً هم با تعالیم مغرب زمین و هم با تعالیم مشرق زمین در ارتباط نزدیک بوده است ارائه گردیده است. ولی متأسفانه نظریه بهرام الهی عمدتاً بدون استدلال و تنها بیان نظریات است. اینکه چرا و به چه دلیل و بر مبنای چه استدلالاتی ایشان یا پدر ایشان به این جمع بندی رسیده اند عمدتاً قابل دسترس نیست. همچنین نظریات مستقیم ارواح و نیز سخنهای سوژه های حداقل برای نگارنده در بدو امر بسیار تاثیر گذار تر بوده است. به هر حال به نظر می رسد رهبر زاده در عمل کارهایی کرده است و چیزهایی دیده است که بهرام الهی تئوری بسیار کاملی از آن ارائه کرده است.

مثلاً رهبر زاده تعریف بسیار مفصلی از عوالم ۷ گانه در چند کتاب خود ارائه می کند که بهرام الهی در یک کلمه برزخ آن را خلاصه می کند ولی بهرام الهی در مورد مسیر تکامل روح، پس از به پایان رسیدن فرصت الهی به بهشت و جهنم ابدی اشاره می کند که رهبر زاده از آن غافل بوده است.

در کنار این کارهای این محققین که در جهت کسب معارف از طریق ارتباط مستقیم با ارواح بوده اند، محققین دیگری از طریق هیپنوتیزم به اصل زندگیهای متوالی پی برده اند.

دکتر مایکل نیوتن روانشناس، که تنها یک کتاب وی به فارسی ترجمه شده است، در کتاب سفر روح خود تعداد بسیار زیادی از سوژه های خود را هیپنوتیزم کرده و به صورت اتفاقی به زندگیهای متعدد و درمان بسیاری از بیماریها توسط آن دست یافته است.

اولین شخصی که به وی مراجعه میکند از درد در گردن که هیچ پزشکی دلیل آن را نیافته است شکایت کرده بود. دکتر نیوتن در زمان خواب هیپنوتیزم تمام زندگی وی را مرور می کند و اثری از حادثه ای که باعث این درد شده باشد نمی یابد.

در نهایت به وی دستور می دهد به زمانی که این اتفاق برای وی افتاده است برود. در کمال ناباوری سوژه ابراز می دارد که در جنگی به سر می برد و سرخ پوستها به وی حمله کرده و تیری به گردن وی اصابت کرده و سپس وی مرده است!!!

این موضوع باب تحقیقات دکتر نیوتن در زمینه زندگیهای متوالی را گشوده است. همچنین دکتر وایس تحقیقات مشابهی داشته است.

دکتر استیونسون بیش از ۲۰۰۰ مورد کودکانی را که زندگیهای گذشته خود را به خاطر می آورده اند ثبت کرده است. این کودکان گاهی به زبان دیگری صحبت می کرده اند که پدر و مادر آنها اصلاً نمی شناخته اند و یا آنکه از گنج و یا چیزهای مخفی خبر داده اند که هیچگاه از آن خبر نداشته اند.

به هر صورت در این زمینه کارهای بسیاری صورت گرفته است که بعضی از آنها در صفحات ۳۶ و ۳۷ و ۵۵ کتاب استادان بسیار آمده است.

همچنین در ادیان الهی عارفان یهودی (معروف به کابالا)، عارفان مسیحی (معروف به گنوسی)، همچنین مسیحیان اولیه و نیز برخی عارفان در اسلام و نیز شیعیان به عنوان رجعت عقاید مشابهی دارند.

شایان توجه است که، مسیحیان اولیه، اعتقاد به تثلیث و به صلیب رفتن مسیح نداشته اند و همچنین به زندگیهای متوالی اعتقاد داشته اند و هنوز کلیسائاتی که چنین اعتقاداتی دارند وجود دارند ولی مسلمانان متروک هستند. اما در سال ۳۲۵ میلادی کنستانتین کبیر امپراتور روم این تغییرات را در عهد عتیق و عهد جدید داد و در سال ۵۵۳ در اجلاس کنسولها در قسطنطنیه این اقدام تثبیت شد. ظاهراً گمان می کردند این مفهوم باعث می شود انسانها گمان کنند که برای رستگاری فرصت زیادی دارند و این از اقتدار رو به رشد کلیسا بکاهد.

همچنین در اسلام شیعیان معتقدند که زمانی پس از ظهور امام مهدی افراد بسیار خوب و افراد بسیار شرور به دنیا بازگشته انتقام تاریخی نیکوکاران از بدکاران گرفته می شود.

همچنین عارفان اسلامی چون مولوی به نوعی تکامل از جمادی به نباتی و از نباتی به حیوانی و از حیوانی به انسانی و از انسانی به مراتب بالاتر معقد بوده است.

ادعاهای نظریه تکامل روح چیست؟

نظریه تکامل روح ادعاهای متعددی دارد ولی برای آنکه بحث به اختصار مطرح گردد در اینجا به ۵ بحث اصلی آن اشاره می گردد:

۱- ارواح و کلیه موجودات چه قبل از مرگ و چه پس از آن در حال تکاملند.

۲- عودت روح به بدن دیگر پس از مرگ و قبل از قیامت

- ۳- دیدن نتایج برخی از اعمال نیک و بد در زندگیهای بعدی
- ۴- زندگی روح در عوالم روحی یا برزخ در زمان بین دو زندگی
- ۵- تعیین تکلیف وضعیت روح پس از مدت معین و ارجاع روح به بهشت یا جهنم ابدی

این نظریه معتقد است انسان و همه موجودات برای هدف معینی که همانا تکامل و سیر الی الله است خلق شده اند و تکامل آنها از ماده بی جان که سنگ بنای ظاهری همه چیز است آغاز شده به نبات، حیوان، انسان و بالاتر از آن ادامه پیدا میکند.

ضمناً تکامل آدمیان پس از مرگ قطع نشده و در برزخ یا عوالم روحی ادامه خواهد داشت و در ضمن در صورت لزوم برخی ارواح پس از مرگ مجدداً به کرات خاکی فرستاده میشوند تا سیر کمال خود را طی کنند. این زندگیهای متعدد تا هزاران بار میتواند ادامه داشته باشد ولی سقف آن ۵۰۰۰۰ سال خواهد بود.

اگر شخصی پیش از مهلت معین که ۵۰۰۰۰ می باشد به هدف سیر الی الله برسد دیگر به زندگیهای خاکی بر نمی گردد و سیر کمال خود را از این پس در عوالم روحی طی خواهد کرد. ولی اگر مهلت معین به اتمام برسد و شخص به کمال نهائی نرسیده باشد، ترازوی اعمال به پیش کشیده می شود و در صورت برتری اعمال نیک به بهشت ابدی و در صورت برتری اعمال زشت به جهنم ابدی خواهد رفت.

همچنین روح در صورتیکه اعمال ناشایستی در یک زندگی کرده باشد در بسیاری از موارد در زندگی دیگر نتایج آن را خواهد دید.

مثلاً اگر به کسی خیانت کرده باشد ممکن است در زندگی دیگر به وی خیانت گردد. یا اگر تجاوزی کرده باشد ممکن است در زندگی دیگر به وی تجاوز شود.

این دیدن نتیجه برخی اعمال در همان زندگی یا زندگیهای دیگر عمدتاً به آن دلیل است که از کرده خود پشیمان گشته به سوی اعمال نیک روی کند و گرنه نتیجه همه اعمال دوره ۵۰ هزار ساله در پایان دوره چشیده خواهد شد. حال به بررسی قرائن هر یک از این ادعاها در کتابهای آسمانی و دلائل تجربی آنها از طریق ارتباط با ارواح و نیز هیپنوتیزم می پردازیم.

نمودار ارائه شده توسط دکتر بهرام الهی در صفحه ۶۰ کتاب معنویت یک علم است به خوبی جزئیات این نظریه را به تصوی کشیده است.

۱- ارواح و کلیه موجودات چه قبل از مرگ و چه پس از آن در حال تکاملند.

همانطور که اشاره شد ارواح و کلیه موجودات همواره در حال تکاملند.

حضرت موسی در آیه شماره ۱ (ذکر شده در مرجع ۱) پروردگار عالمیان به فرعون اینگونه معرفی می کند:

"پروردگار ما همان کسی است که به هر موجودی، آنچه را لازمه آفرینش او بوده داده، سپس هدایت کرده است"

حتی در آیه شماره ۲ خداوند اشاره کرده است که بندگان نادرست خود را وادار به رشد می کند. این وادار کردن البته اجباری نیست. و انسان اختیار خود را از دست نمی دهد. ولی شرایط به گونه ای برای ارواح مقدر می گردد که آنها خود سختی فشارهای دنیا را به جان می خورند تا رشد کنند.

در این مورد اشاره به کلاسهایی که ارواح در برزخ برای رشد دارند نیز جالب است. (رج صفحه ۱۲۷ و ۱۲۸ کتاب سفر روح- بریده ۱)

در این کلاسها ارواح آموزشهایی که لازم دارند می بینند و به رشد، ترغیب می گردند. تا در زندگیهای بعدی خطاهائی را که کرده اند تکرار نکنند.

البته در جهانهای اول و دوم تنهایی و طول زمان باعث توجه ارواح به خطاهایشان و بازگشت به خدا می گردد. ولی در جهانهای بالاتر ارواح به گروههایی تقسیم می گردند که راهنماهایی آنها را هدایت می کنند.

در این زمینه اشاره به نمودار تکامل صعودی موجودات بسیار مناسب است. در این نمودار سیر تکامل از ارواح جمادی تا ارواح بشری و ترکیب آنان با ارواح ملکوتی نشان داده شده است.

دقت کنید که روح بشری، روحی است که مسئول حیات حیوانی بشر است و آمی را به سوی هواهای نفسانی سوق می دهد در حالیکه روح ملکوتی در واقع هويت واقعی ماست که ما را به سمت تعالی و پیشرفت الهی ترغیب می کند. ضمناً تذکر این نکته لازم است که طبق نظر استاد الهی ارواح هر طبقه به طور مستقیم به ارواح طبقه بعد تبدیل نمیگردند بلکه این کار به صورت ترکیبی اتفاق می افتد.

به عنوان نمونه روح حیوانی یک اسب به روح بشری یک انسان تبدیل نمیگردد. بلکه تراکمی از ارواح حیوانات مختلف به روح بشری تبدیل می گردد. در این زمینه خلقت عدالت ویژه ای را رعایت میکند که درک دقت آن از اندیشه ما جدا بیرون است.

همچنین ارواح ملکوتی در ترکیب با ارواح بشری مسیر خاصی را طی می کنند که در نمودار کلی نظریه تکامل روح ارائه شده است.

۲- عودت روح به بدن دیگر پس از مرگ و قبل از قیامت

در این زمینه دقت کنید که ما به صورت سنتی هر گونه بازگشت روح به بدن را پیش از قیامت انکار می کنیم. در این فصل بر آنیم بر اساس مستندات ارائه شده ثابت کنیم عودت روح به بدن نه تنها غیر ممکن نیست بلکه یک سنت الهی است و در گذشته بسیار اتفاق افتاده و در حال حاضر و در آینده نیز پیش از قیامت اتفاق خواهد افتاد.

دلایل قرآنی

الف) با مراجعه به آیات ۳ و ۵ و ۴ به خوبی روشن میگردد که این یک سنت الهی بوده است. در آیه ۳ خداوند اشاره به زنده کردن و بازگشت روح به بدن هزاران نفر می کند.
لذا به روشنی فهمیده می شود بازگشت روح به بدن یک سنت الهی بوده است و همانطور که در آیه ۷ اشاره گردیده است هرگز در سنتهای الهی تغییر اتفاق نمی افتد لذا این امکان در حال حاضر و در آینده نیز وجود دارد.
همچنین پیامبر اکرم در حدیث شماره ۴ که به گواه اهل حدیث بسیار متواتر است پیامبر اکرم فرموده اند هر آنچه که بر امم گذشته اتفاق افتاده برای شما هم اتفاق خواهد افتاد..

ب) در آیه شماره ۷ خداوند می فرماید:

"گمان کردید داخل بهشت می شوید، بی آنکه حوادثی همچون حوادث گذشتگان به شما برسد؟!"

ولی ما به خوبی میبینیم که بسیاری کسان به دنیا آمده اند و از دنیا رفته اند ولی مشکلات و مصائب امتهای گذشته را ندیده اند. آیا چنین کسانی محکوم به جهنمند؟
خیر فرصتها دیگری برای چنین آزمایشهایی در زندگیهای بعدی به آنها داده خواهد شد.

ج) در آیه شماره ۸ اشاره به گواهی پوست بدن انسان علیه وی شده است. و مگر نه اینکه بدن حیوانی و بشری ما چیزی غیر از پوستی برای روح ملکوتی ماست؟ در این آیه ضمنا دقت کنید که اشاره به این دارد که خداوند همه چیز را ناطق کرده است. لذا جماد و گیاه و حیوان هم ناطق هستند ولی ما نمی فهمیم.

در همین رابطه به آیه شماره ۹ نیز دقت کنید که به روشنی بیان میدارد که هر گاه پوست بدن آدمیان از بین رود پوست جدیدی بر آنها پوشانده می گردد. این در واقع می تواند همان تخصیص بدنهای متعدد به یک روح باشد که در صورت از بین رفتن یکی بدن دیگری به او ارائه می گردد.

ضمنا تشابه بی مانند این آیات قرآنی را با آیات شماره ۶ در انجیل جدیدی که کشف شده است ملاحظه کنید.

برای نگارنده که جدا حیرت انگیز است!

د) در آیه شماره ۱۰ اشاره به روزی دارد که از هر امتی گروهی محشور می گردند. این روز به روشنی روزی غیر از روز قیامت است چرا که در قیامت به استناد بسیاری از آیات از جمله آیه ۱۱ همه خلق بدون هیچ قید و شرطی مبعوث می گردند. لذا قطعاً روزی غیر از قیامت وجود دارد که برخی از ارواح در بدن خاکی برگشته و زنده خواهند شد. از این روز ویژه البته به روز رجعت یاد می گردد.

ه) در آیه شماره ۱۲ اشاره به این دارد که اهل شهرها یا آبادیهایی که خداوند آنها را هلاک کرده است دیگر بر نمی گردند. در واقع ضمنا تایید شده است که برای اهل شهرها و آبادیهای دیگر امکان برگشت وجود دارد.

و) آیه ۱۳ در واقع نشان می دهد که در زمانی مرگ فرا می رسد فرد خاطی در واقع بر اساس سابقه ای که از گذشته داشته است درخواست برگشت به دنیا را می کند تا بلکه عمل نیکی انجام دهد. خداوند بدون اینکه به روشنی این

درخواست او را رد کند تاکید می کند این تنها حرفی است تو می زنی و در واقع اگر برگردی همان کارها را ادامه خواهی داد.

ز) آیه ۱۴ نیز از آیه های بسیار محکم در این زمینه است. در این آیه با تاکیدات بسیار گفته شده است که بندگان نیک خدا به طور قطع بر زمین حکم فرما خواهند شد. خوب به روشنی واضح است که این وعده الهی تاکنون و بر روی زمین به حقیقت نپیوسته است. لذا قهرا در آینده بندگان نیک الهی مجددا زنده خواهند شد و حکومت بر زمین را تجربه خواهند کرد. این آیه نیز برای رجعت استفاده شده است.

ح) آیه ۱۵ همچنین بیان می کند که خدا از تمام پیامبران عهد گرفته است که به رسول گرامی اسلام ایمان آورده و وی را یاری کنند. ولی باز به روشنی واضح است که این نصرت حداقل به صورت روشن اتفاق نیافتاده است. یا برخی از صحابه پیامبر در واقع ارواح بازگشت شده پیامبران گذشته بوده اند که بعید به نظر می رسد ولی ادعای ما را ثابت میکند. یا آنکه این اتفاق در آینده اتفاق خواهد افتاد که باز امکان عودت روح به بدن پیش از قیامت را ثابت می کند.

ط) آیه ۱۶ نیز بیان می کند که خداوند اگر بخواهد ما را در نشئه ای که نمیدانیم باز خواهد آفرید. این نشئه به روشنی می تواند بدنهای دیگر و یا حتی زندگی در کرات دیگر باشد.

دلایلی از انجیل

مسیحیان اولیه به بازگشت روح اعتقاد داشته اند، همچنین آیاتی که در ذیل از انجیل نقل می شود موید آن است ولی متأسفانه برخی حقایق انجیل بعداً توسط کنستانتین پادشاه روم در ۳۲۵ و اجلاس کنسولها در قسطنطنیه در ۵۲۵ بعد از میلاد حذف گردید. (رج کتاب استادان بسیار صفحه ۳۱ و ۳۲- بریده ۱۰)

الف) در آیات شماره ۲ حضرت عیسی به روشنی بیان می دارد که الیاس نبی که بنا بر نشانه های آمده در دین یهود باید قبل از عیسی می آمد همان یحیای نبی است که پیش از عیسی آمده است. ولی مردم این را در نیافته اند. در واقع روح الیاس نبی بر اساس این آیه مجددا در بدن یحیای نبی و نام دیگری برای خدایت مردم به دنیا آمده است.

ب) در آیات شماره ۳ عیسی در مورد نظر مردم که او را یحیی یا الیاس یا یکی از پیامبران گذشته می دانسته اند به روشنی سکوت می کند و این موضوع را ن تکذیب و تایید می کند. این آیات به روشنی نشان می دهد در عقاید یهودیان زمان حضرت عیسی بازگشت ارواح به جسم کاملاً قبول شده بوده است و حضرت عیسی این موضوع را نه تایید و نه تکذیب می کند.

این موضوع وقتی جالب تر می شود که آیات سری ۴ را در مورد زندگی قبلی خود عیسی که احتمال زیاد در بدن ملک‌یصدق بوده است، بررسی کنیم.

ج) در آیات سری ۴ ، پولس در نامه خود به عبرانیان به حد غیر قابل وصفی از ملک‌یصدق، کاهنی که در زمان ابراهیم حکم فرمائی می کرده است سخن گفته است. به حدی این مطلب مطول و تشریح فضائل ملکی صدق و شباهت وی با عیسی مسیح زیاد و کرامات او فراوان ذکر شده است که جدا انسان به تعجب واداشته می شود.(توجه کنید که تنها قسمتی از این بخش نقل گردیده است)

در واقع تنها این نکته که ملک‌یصدق همان عیسی بوده است ذکر نشده است!

این مطلب وقتی قابل درک می گردد که به عقیده مسیحیان اولیه و عرفای مسیحی که معتقد بودند عیسی همان ملک‌یصدق بوده است پی ببریم.

ضمناً دقت کنید که این انجیل از تیغ سانسور کنستانتین دور نبوده است!

د) در آیه شماره ۵ عیسی به روشنی به دوستانش می گوید که گروهی از شما پیش از مرگ قدرت ملکوت خدا (حکم عیسی بر زمین) را خواهید دید.

این آیه بسیار شبیه آیات رجعت می باشد.

بسیار روشن است که حکومت عیسی تا کنون اتفاق نیافتاده است و وعده عیسی درست نمی گردد، مگر این که وی برگشته و برخی مسیحیان اولیه (پیش از اجا مسمای خود) برگشته و حکومت وی را ببینند.

ه) روشن ترین مستند در دنیای مسیحیت به گمان حقیر در آیات شماره ۶ آمده است.

این آیات که مربوط به انجیل مکشوفه در ناگ حمادی و مربوط به مکاشفات پولس است، به روشنی مرگ یک روح، باز خواست وی در برزخ، گواهی سه بدن گذشته وی علیه او و بازگشت وی به جسم دیگری را بیان می کند.

دلایل تجربی

مستندات تجربی بسیاری در باره عود روح پس از مرگ به بدن وجود دارد که شما را به مطالعه مفصل آنها به خصوص در کتاب سفر روح دعوت می کنم ولی تنها برای اشاره به قسمتی از کتاب سفر روح که روح در حال انتخاب زندگی بعدی خود با کمک راهنماها می باشد و صحنه هائی از ندگی بعدی به وی نشان داده می شود و مسئولیتها و ماموریتهای وی به وی گوشزد می گردد عیناً از صفحات ۲۷۰ تا ۲۷۵ کتاب سفر روح در بریده ۲ نقل شده است.

ضمناً دکتر استیونسون تعداد ۲۰۰۰ مورد اطفالی را که زندگیهای قبلی خود را به یاد داشتند، یا به زبان آنها سخن می گفتند، یا با فرهنگ قوم دیگری به صورت مادر زاد آشنائی داشته اند، یا جای گنجھائی را اعلام کرده اند یا از اخبار خبر داده اند که به کلی از آنها خبر نداشته اند یا آنکه زخم هایی در بدن آنها بوده که به زندگیهای قبلی مربوط می شده

است، ثبت کرده است. در این مورد و موارد تجربی دیگر به صفحات ۳۶ و ۳۷ و ۵۵ کتاب استادان بسیار (بریده ۱۱) مراجعه کنید.

۳- دیدن نتیجه برخی از اعمال نیک و بد در زندگیهای بعدی

ارواح نتیجه برخی اعمال بسیار زشت خود را در زندگیهای بعدی می بینند تا در یابند که کارهایی که انجام داده اند اشتباه بوده است.

این نتایج می تواند به قتل رسیدن، مورد تجاوز قرار گرفتن، معلول به دنیا آمدن، زود از دنیا رفتن، تحت فشار مالی بودن، مجنون بودن و یا چیزهایی از این قبیل باشد. البته این به این مفهوم نیست که این نتایج تنها به دلیل خطاهای گذشته به وقوع می پیوندند. لطفا دقت کنید.

ضمن دقت شود که در صورتیکه این ارواح به هشیار شده و از کرده خود پشیمان گردند ممکن است مورد بخشش الهی قرار گیرند در غیر این صورت عذاب قیامت در انتظار آنها خواهد بود.

در آیه شماره ۱۶ به وقوع عذاب نزدیک پیش از عذاب بزرگتر اشاره شده است که می تواند اشاره به همین معنا باشد. ضمناً در آیه ۱ نقل شده از انجیل نیز معنای مشابهی در مورد یک کور مادرزاد اشاره شده است. البته این معنا در ترجمه های مختلف بسیار متفاوت نقل شده است. لطفاً به ترجمه های دیگری هم مراجعه کنید.

در این زمینه گزارش شماره ۱۰ کتاب سفر روح (بریده ۳) بسیار کامل است، البته گزارشهای دیگری که همین معنا را می رساند نیز در این کتاب فراوان است.

در این گزارش روح مردی که به دختری تجاوز کرده بوده است در زندگی دیگری، با اختیار خودش و جهت درک خطای خود، به صورت دختری در میان مردان متجاوزی که ابایی از این کار نداشته اند به دنیا آمده است.

در این زمینه همچنین اشاره به لزوم پرداخت دیون حتی در زندگیهای بعدی برای خود نگارنده حیرت انگیز بود که در بریده ۱۲ قابل ملاحظه است.

۴- زندگی روح در عوالم روحی یا برزخ در زمان بین دو زندگی

در فرهنگهای بسیاری آسمانهای هفتگانه یا بهشتهای هفتگانه (در انگلیسی به صورت مشترک از کلمات Sky و Heaven استفاده می شود) وجود داشته است. در اسلام نیز به آسمانهای هفت گانه اشارات فراوانی شده است.

ارواح به شدت بر این معنا تاکید کرده اند که این عوالم به صورت طبقاتی قرار دارد و به ترتیب از طبقه اول تا طبقه هفتم ارواح شرور تا مقربین الهی قرار خواهند گرفت. همچنین اشاراتی هم مبنی بر وجود بسیار ملموس تر الهی در طبقه هفتم نموده اند. آنچه که شاید همان عرش اعظم الهی باشد که در قرآن بارها به آن اشاره شده است.

آنچه که مشخص است هر چه به طبقات بالاتری برویم ارواح از زمان و مکان فاصله خواهند گرفت و می توانند به راحتی حتی در زمان حرکت کنند. لذا این مفهوم عرش الهی لزوماً به مفهوم موقعیتی مکانی یا زمانی نیست. لطفاً به این معنی دقت فراوان نمائید.

دلایل قرآنی

در آیات بسیاری در قرآن کریم به آسمانهای هفتگانه اشاره شده است. و همواره این از مجهولات مسلمانان بوده است که این آیات به چه چیزی اشاره می کنند.

در آیه شماره ۱۷ به روشنی به خلق زمین و از پی آن خلق آسمانهای هفتگانه و استقرار یا استیلای الهی در آسمانها اشاره شده است.

در آیه شماره ۱۸ اشاره به بدون ستون بودن طبقات هفتگانه آسمانها اشاره شده است.

همانطور که اشاره شده است و در قرآن هم در آیات دیگر ذکر شده است آسمانهای هفتگانه به صورت طبق طبقه می باشد و بر روی یکدیگر قرار دارند. از این روست که عدم وجود ستون در این طبقات هفتگانه موجب تعجب است. و با این تعاریف درک بهتری از این آیات می توان پیدا کرد.

ضمناً در آیه شماره ۱۸ از استیلا یا استقرار الهی بر عرش یاد شده است در حالیکه در آیه ۱۷ از استیلا بر آسمانها یاد کرده است. این ممکن است به این مفهوم باشد که عرش جایی در آسمانها قرار داشته باشد. همانطوری که ارواح آن را در طبقه هفتم ذکر کرده اند.

در آیات ۱۹ نیز به صورت نسبتاً مفصل تری به جریان خلق زمین و آسمانهای هفتگانه، مراحل آن و قوانین وضع شده برای آنها اشاره می کند.

دلایلی از انجیل

در انجیل رسمی (بر اساس اطلاعات محدود نگارنده) گویا جز یک مورد، در رساله دوم پولس به قرنیان، که از شخصی که تا آسمان سوم ربوده شده، یاد شده است ذکر چندانی از آسمانهای هفتگانه نشده است. اما این معنا جزء اعتقادات مسیحیان اولیه بوده است.

در آیات شماره ۶ که مربوط به انجیل غیر رسمی و مکشوفه در ۱۹۴۸ در الحمادی مصر می باشد ولی از آسمانهای ده گانه یاد شده است. جالب است که در طبقه ۸ پولس با ۱۲ روح بسیار شریف مواجه می شود که از وی استقبال می کنند.

با توجه به اینکه خود طبقه سوم بر اساس اظهار ارواح ۹ طبقه است، امکان خطای پولس در شمارش طبقات ممکن است.

همچنین ادریس پیامبر که در عبری به اخنوخ نبی نام برده می شود نیز سه کتاب دارد که هیچ کدام از آنها جزء عهد عتیق یا عهد جدید رسمی قلمداد نشده است. در کتابهای وی نیز به که اخنوخ ۱ و اخنوخ ۲ و اخنوخ ۳ معروف هستند نیز از بهشتها یا آسمانهای هفتگانه یاد شده است.

جالب است بدانیم که ادریس نبی (یا همان اخنوخ نبی) بنا بر اعتقاد مسلمانان و مسیحیان، حضرت عیسی (بنا بر اعتقاد مسلمانان و مسیحیان)، حضرت خضر (بنا بر اعتقاد مسلمانان، نگارنده از اعتقاد مسیحیان خبری ندارد) و امام مهدی (بنا بر اعتقاد شیعیان) تنها کسانی هستند که با بدنهای خاکی به امر الهی زنده مانده اند و اجازه حرکت در آسمانهای مختلف را با همان بدن خاکی که امر بسیار غریبی است دارند.

دلایل تجربی

طبقه بندی ارواح به هفت گروه یا عالم به هفت طبقه

دکتر مایکل نیوتن با افراد بسیار زیادی مصاحبه نموده است و با موشکافی فراوانی که داشته است جدول بسیار جالبی از تقسیم بندی ارواح (که بخشی از آن توسط نگارنده کامل شده است) (رج به بریده ۴) تهیه کرده است.

جدول اولیه دکتر نیوتن ۶ طبقه داشته است ولی با توجه به اشاره به ارواح بالاتر از سطح ۶ در بخش دیگری از کتاب خود وی این جدول توسط نگارنده کامل گردید.

همچنین فراوانی این ارواح در سطح کره زمین نیز در جای دیگری از کتاب آمده بود که نگارنده در همین جدول گنجانده است.

این جدول حاصل تحقیقات نسبتاً وسیع دکتر نیوتن از افراد بسیاری است. البته رنگ لباس روحی که دکتر نیوتن اشاره کرده با کما تعجب به هیچ وجه با رنگهایی که آقای رهبر زاده گزارش کرده تطابق ندارد ولی با این حال شباهتهای بسیار دیگری وجود دارد که قابل ملاحظه است.

ضمناً همانطور که می بینید در حال حاضر اکثر افراد کره زمین بر اساس آمار آقای دکتر نیوتن از گروه های ۱ و ۲ یا ارواح مبتدی هستند. در واقع این ارواح بر اساس نظر آقای رهبر زاده مربوط به جهنم یا اعراف هستند.

ضمناً توجه به این نکته لازم است که اینچنین نیست که بعد از مرگ اعمال کسی مورد قضاوت قرار گیرد تا رده بندی وی مشخص گردد بلکه بلافاصله از طریق لباس روحی فرد می توان به جایگاه روحی وی پی برد.

همچنین در کتاب استادان بسیار مربوط به دکتر وایس نیز به هفت مرحله اشاره شده است. (بریده ۱۲)

جزئیات هفت طبقه البته با عبور خیلی سریع از طبقه سوم یا بهشت که خود از ۹ طبقه تشکیل شده است در بریده ۷ آمده است.

نمودار دایره خلقت نیز که توسط آقای رهبر زاده ارائه شده است نیز نمودار جالبی است که از خلق اولیه یک اتم تا بازگشت مجدد به طرف مبدا را ترسیم نموده است.

گزارشات ارواح از طبقات مختلف

در بریده شماره ۸ تشریح مفصلی از روحی که به دلیل اعمال پلید خود به به طبقه اول یا جهنم گسیل شده و سپس با توجه به خود و خدا به اعراف آمده و سپس به وی اجازه ارتباط با زمین داده شده است، آمده است.

در بریده شماره ۹ شرح بسیار جالبی از طبقه ۳ یا همان بهشت ارائه شده است. که بسیار زیبا و دل انگیز است. در اینجا به عدم وجود خاک در بهشت و بنا شدن همه چیز از اثر و تاثیر عقل بر مواد آنجا اشاره شده به طوری که به محض تفکر به چیزی، آن چیز وجود می یابد. یا عدم لزوم هضم غذا و به شهر های بدون جاده و وسیله نقلیه در بهشت. اتاقها عبادت آنها و بسیاری چیزهای دیگر اشاره شده است.

در کتاب سفر روح گزارشی بسیار حیرت انگیز (بریده ۵) آمده است که فرد به خواب رفته پس از ورود به کلاسهای برزخ از کتابهایی که کلیه اعمال فرد جهت مرور مجدد در آنها قابل رویت است یاد می کند.

این گزارش به طرز شگفت انگیزی با آنچه که در قرآن از آن به عنوان نامه عمل یاد شده است تطابق دارد.

همچنین گزارش بهت انگیز دیگری (بریده ۶) که به گمان نگارنده عجیبترین قسمت کتاب سفر روح می باشد از خلق ارواح طبقه ۵ به اذن الهی خبر می دهد. یعنی ارواح طبقه ۵ آموزشهایی می بینند که توان خلق ماده و یا حتی موجوداتی ساده مانند کرم بیابند.

چرا از طبقات بالا خبر چندانی نداریم؟

کلا هم اطلاعات دکتر نیوتن و هم اطلاعات حسن رهبر زاده از طبقات بالا بسیار محدود و معدود است.

دلایل این موضوع عمدتا به این دلیل است که ارواح در این سطح تقریبا هیچ علاقه ای با ارتباط با ارواح زمینی ندارند، چرا که باعث آلودگی آنها می شود، همچنین ارواح تا این حد پیشرفته (از طبقه ۴ به بالا) بسیار به ندرت و تنها به دلیل انجام برخی ماموریت به عالم خاکی می آیند و نه برای صرف پیشرفت.

لذا اطلاعات ما از طبقات بالا بسیار محدود است.

۵- تعیین تکلیف وضعیت روح پس از مدت معین و ارجاع روح به بهشت یا جهنم ابدی

روح مدت معینی (اجل مسمی) فرصت دارد تا به دنیا آمده و شرایط عروج خود را فراهم نماید. این مدت معین توسط آقای دکتر الهی ۵۰۰۰۰ اعلام شده است.

اگر روحی پیش از این مدت بتواند به عروج برسد در واقع جزء سابقون است و دیگر به دنیا بر نمیگردد.

ولی اگر این مهلت تمام شود و روح به تکامل خود نرسیده باشد، ترازوی عمل پیش کشیده می شود و در صورتی که اعمال نیک او برتر باشد جزء اصحاب یمین خواهد بود و به بهشت ابدی و اگر اعمال پلید وی برتر باشد جزء اصحاب شمال خواهد بود و به جهنم ابدی خواهد رفت.

وجود دلایل غیبی

در قرآن برای اصل بهشت و جهنم ابدی آیات بی شماری هست اما اینجا تنها به آیاتی که از فرصت معین یاد شده است اشاره می کنیم.

الف) در آیات شماره ۲۱ مربوط به سوره معارج به روشنی به این معنا اشاره شده است.

فرشتگان و روح در روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است به سوی او بالا می روند (۴)

پس صبر جمیل پیشه کن، (۵)

زیرا آنها آن روز را دور می بینند، (۶)

و ما آن را نزدیک می بینیم! (۷)

این آیات به حدی روشن است که تقریباً احتیاج به هیچ بینه دیگری نیست، اما از آنجا که فهم موضوع بازگشت روح به بدن برای مسلمانان همواره سخت بوده است این آیات را معمولاً به روز قیامت تاویل کرده اند در حالیکه در پایان این آیات از روز قیامت یاد شده است.

دقت کنید که در این آیات یک روز ۵۰ هزار سال نام گرفته است. حال با توجه به این آیات به آیات بعدی توجه کنید:

ب) در آیات ۲۲ از آدمیان می پرسند چه مدت در زمین بوده اید؟ پاسخ آنها این است که ۱۰ روز ولی انسانهای فهمیده و نیک آئین آنها می گویند یک روز در زمین مانده اند!!!

آیا گمان می کنید انسانهای نیک آئین در پیشگاه الهی دروغ گفته اند یا به خطا رفته اند؟

خیر آنها کاملاً درست گفته اند. روح آدمیان یک روز که ۵۰۰۰۰ سال به مقیاس زمینی می باشد در زمین توقف می نماید.

همین معنا در آیه ۲۳ نیز آمده است.

ج) در آیات سری ۲۴ از مجرمان پرسیده می شود که چقدر در زمین ماندید آنها پاسخ می دهند غیر از ساعتی در زمین نمانده اند. اما کسانی که دارای علم و ایمان هستن می گویند شما تا روز قیامت در زمین بوده اید ولی خودتان نمی دانستید!!!!

چگونه چنین چیزی ممکن است؟

آیا روح شمر تا روز قیامت بر روی زمین بوده است؟

این معانی امکان ندارد مگر اینکه ما مدت بسیاری که همان ۵۰ هزار سال است و با زندگیهای متوالی به زمین بیاییم.

د) در آیه ۲۵ اشاره به اجل مسمی میکند. اجل مسمی برای آسمانها و زمین و برای انسان در قرآن مکرر ذکر شده است.
ه) در آیات ۲۶ حضرت نوح انسانها را دعوت می کند تا به سوی خدا روی بیاورند و از او طلب بخشش کنند تا خدا عمر آنها را تا اجا مسمی به تاخیر بیاندازد، در غیر این صورت مرگ آنها فرا خواهد رسید.
چنانچه در این آیات دقت کنید نوح در واقع به قومش می گوید اگر به خدا روی بیاورید مرگ فعلی شما که به خاطر گناهان برای شما مقدر شده است به تاخیر می افتد. اما در آیه ۲۵ لازم آمده است تا اجل مسمی به اتمام برسد و سپس قیامت فرا برسد. لذا اگر امتهایی به دلیل گناهان خود مرگ زودرسی بیابند دوباره زنده خواهند شد تا اجا مسمای خود را به پایان برند و سپس قیامت فرا خواهد رسید.
نگارنده این معنا را هنگامی دریافت که با حدیث شماره ۲ مواجه شد و با دقت مجدد در آیات به دقت و ظرافت آن پی برد!

وجود قرائن تجربی

برای وجود قیامت و پایان مهلت چون از عالم غیب است اصولاً نمی توان دلایل تجربی یافت. اما نگارنده در تمام کتاب سفر روح توجه خاصی به این موضوع نمود.
بیشترین سالی که ارواح در زندگی زمینی طی کرده اند و در این کتاب ثبت شده است ۳۰۰۰۰ سال می باشد که با کمال تعجب مربوط به ارواح مبتدی (طبقات یک و دو) نیز می باشد. (رج صفحه ۱۶۸)
لذا این موضوع تنها تاییدی است که روحی که حد ۵۰۰۰۰ سال را گذرانده است توسط کسی به ثبت نرسیده است.

شباهتها و اختلافات نظریه تکامل روحی با تناسخ

نظریه تکامل روحی در بدو امر با تناسخ بسیار خلط می شود. و مخالفتهای شدیدی هم که همواره با آن شده است به همین دلیل بوده است. چرا که هر دو از بازگشت روح به جسم خبر می دهند.
اما این دو نظریه چند تفاوت جدی و ماهوی با یکدیگر دارند.
نورعلی الهی در کتاب معرفت الروح (صفحه ۱۷۶) ۳ اختلاف اجمالی این دو نظریه را بیان کرده است. که از این قرار است:

- ۱- عدم اعتقاد تناسخچون به آغاز و انتها و تیز معنائی برای زندگیهای متوالی در حالیکه نظریه تکامل روح آغاز و انتهای برای زندگیهای متوالی قائل است و معنائی برای کل آن که همانا تکامل است متصورند.
- ۲- تناسخچون معتقد به پاداش و عقاب تنها در همین دنیا هستند در صورتیکه نظریه تکامل روح پاداش و عقاب در این دنیا و در برزخ و در آخرت معتقدند.

۳- تناسخ‌یون به فرقی بین روح بشری و روح ملکوتی قائل نیستند و انسان را فی الجمله صاحب یک روح می‌دانند. در حالیکه روح بشری ما حاصل تکامل‌های زمینی است در حالیکه روح ملکوتی ما حاصل نفخه الهی است.

لذا با توجه به موارد فوق استدعای من از خوانندگان آن است که در این مورد دچار خطا نشوند.

شباهتها و اختلافات نظریه تکامل روحی با رجعت در شیعه

نظریه تکامل روحی که ذکر شد شباهتهای بی شماری با اعتقاد به رجعت در بین شیعیان دارد. اگر چه در فقه شیعه اعتقاد به رجعت یک اعتقاد الزامی لحاظ نشده است اما به اعتقاد بسیاری از علماء اجماع علماء شیعه به آن اعتقاد داشته‌اند. و حوادث بسیار زیاد و متواتری در این زمینه موجود است. شیخ حر عاملی در کتاب خود به نام الایقاظ من الهجعه و الرجعه تا آنجا پیش رفته است که گفته است اگر در موضوع رجعت قائل به تواتر نباشیم در هیچ موضوع دیگری تواتر وجود ندارد!!!

برای این موضوع تنها سه حدیث از احادیث این مبحث در اینجا نقل می‌شود. در حدیث شماره ۱ امیرالمومنین ضمن تایید رجعت، آنرا علم سخت و ویژه‌ای دانسته‌اند که هر کسی قدرت درک و تحمل آن را ندارد.

در حدیث شماره ۲ امیرالمومنین استدلالی برای رجعت می‌آورند که نگارنده جدا از دقت آن و تطابق آن با آیات قرآنی (که در بنده صفحه قبل ذکر گردید) و قرائن تجربی به حیرت می‌افتد. ضمن اینکه در این حدیث هیچ شرطی مبنی بر لزوم بسیار گناهکار بودن و بسیار پرهیزگار بودن شخص بازگشت کنند ذکر نشده است. در حدیث شماره ۲ به تفصیل به ذکر وقایع آخرین رجعت پرداخته شده و از وجود رجعت‌های متعدد یاد شده است که باز برای نگارنده بسیار جالب بوده است.

با اینحال احادیث هم وجود دارد که رجعت را تنها برای افراد بسیار خوب و افراد بسیار بد دانسته‌اند و ضمن اینکه هیچ حدیثی رجعت‌ها متعدد را رد نکرده است و برخی احادیث آنرا تایید هم کرده است.

لذا تنها اختلاف بحث رجعت با نظریه تکامل روح بحث اشخاص رجعت کننده است که خود این موضوع در احادیث مختلف دارای اختلاف است.

از این رو بحث رجعت با نظریه ذکر شده در این مقاله دارای اختلافات بسیار جزئی است.

چرا نظریه تکامل روح در شرایع اولیه انکار شده است؟

جمع بندی نگارنده آنست که همانطور که در حدیث شماره ۱ ذکر گردید بحث رجعت یا آنچه که در این مقاله از آن به نظریه تکامل روح یاد شده است بحث بسیار سختی است و درک و تحمل آن برای امتهای گذشته سخت بوده است و نیز امکان خطا و اشتباه و خلط آن با تناسخ زیاد بوده است لذا کلیسای اولیه خودش راسا اقدام به حذف آن کرده و بیان آن توسط قرآن هم با ظرائف و دقائق و به گونه ای بیان شده است که تنها با غور دقیق در اعماق معانی قرآن می توان به آن پی برد. ولیکن در احادیث اهل بیت همواره از آن در حد فهم مخاطبین دفاع شده است تا اصل این موضوع از بین نرفته و حفظ گردد.

چرا امروز نیازمند این بحث هستیم؟

اکنون در ماهواره ها و در اینترنت، در کتابها و مجلات سیل مطالبی که دلائل تجربی نسبتا مستدلی برای بازگشت روح ارائه می گردد به طرز چشم گیری افزایش یافته است و هر روز هم بیشتر می گردد. این مستندات از آن رو که ما و جوانان را به فکر مرگ و دنیای پس از آن بیاندازد بسیار خوب و مناسب است، اما به دلیل تفاوت اساسی با فهم سنتی ما از عالم پس از مرگ و نزدیکی بسیار آن با مبحث تناسخ می تواند ما و جوانان ما را به غیب و اصل قیامت که همواره در اسلام بر آن پافشاری کرده است ظنین کند. اکنون در ماهواره ها و پیش چشم شما سوژه ها را به خواب هیپنوتیزم برده و زندگیهای قبلی وی را به شما بازگو می کنند. اینکه ما آن با این پدیده که اتفاقا ریشه در اعماق اعتقادی و دینی ما دارد چگونه برخورد مناسب کنیم، پیامی است که هدف نگارنده از این مقال است.

با آرزوی توفیق روز افزون برای همه خوانندگان حقیقت جو

سپهر محمدی

تیر ۸۶

مرجع ۱- آیات قرآن

آیات مبطوب به تکامل همگانی

۱) طه (۲۰): آیه ۵۰:

قال ربنا الذی اعطى کل شیء خلقه ثم هدی (۵۰)

گفت: «پروردگار ما همان کسی است که به هر موجودی، آنچه را لازمه آفرینش او بوده داده؛ سپس هدایت کرده است!»
(۵۰)

۲) مدثر (۷۴): آیات ۱۲ - ۱۷

و جعلت له مالا ممدودا (۱۲)

و بنین شهودا (۱۳)

و مهدت له تمهیدا (۱۴)

ثم یطمع ان ازید (۱۵)

کلا انه کان لآیاتنا عنیدا (۱۶)

سارهقه صعودا (۱۷)

و دارایی بسیار به او بخشیدم (۱۲)

و پسرانی آماده [به خدمت دادم] (۱۳)

و برایش [عیش خوش] آماده کردم (۱۴)

باز [هم] طمع دارد که بیفزایم (۱۵)

ولی نه زیرا او دشمن آیات ما بود (۱۶)

آیات مربوط به عودت روح به بدن پیش از قیامت:

۳) بقره (۲): آیه ۲۴۳

لم تر الی الذین خرجوا من دیارهم و هم الوف حذر الموت فقال لهم الله موتوا ثم احیاهم ان الله لذو فضل علی الناس و لکن اکثر الناس لا یشکرون (۲۴۳)

آیا ندیدی جمعیتی را که از ترس مرگ، از خانه‌های خود فرار کردند؟ و آنان، هزارها نفر بودند (که به بهانه بیماری طاعون، از شرکت در میدان جهاد خودداری نمودند). خداوند به آنها گفت: بمیرید! (و به همان بیماری، که آن را بهانه قرار داده بودند، مردند). سپس خدا آنها را زنده کرد؛ (و ماجرای زندگی آنها را درس عبرتی برای آیندگان قرار داد). خداوند نسبت به بندگان خود احسان می‌کند؛ ولی بیشتر مردم، شکر (او را) بجا نمی‌آورند. (۲۴۳)

۴) بقره (۲): آیه ۲۵۹

او کالذی مر علی قریه و هی خاویه علی عروشها قال انی یحیی هذه الله بعد موتها فاماته الله مائه عام ثم بعثه قال کم لبثت قال لبثت یوما او بعض یوم قال بل لبثت مائه عام فانظر الی طعامک و شرابک لم یتسنه و انظر الی حمارک و لنجعلک آیه للناس و انظر الی العظام کیف ننشزها ثم نکسوها لحما فلما تبین له قال اعلم ان الله علی کل شیء قدير (۲۵۹)

یا چون آن کس که به شهری که بامهایش یکسر فرو ریخته بود، عبور کرد؛ (و با خود می‌گفت: چگونه خداوند، (اهل) این (ویرانکده) را پس از مرگشان زنده می‌کند؟). پس خداوند، او را (به مدت) صد سال میراند. آنگاه او را برانگیخت، (و به او) گفت: (چقدر درنگ کردی؟) گفت: (یک روز یا پاره‌ای از روز را درنگ کردم). گفت: ((نه) بلکه صد سال درنگ کردی، به خوراک و نوشیدنی خود بنگر (که طعم و رنگ آن) تغییر نکرده است، و به درازگوش خود نگاه کن (که چگونه متلاشی شده است. این ماجرا برای آن است که هم به تو پاسخ گوئیم) و هم تو را (در مورد معاد) نشانه‌ای برای مردم قرار دهیم. و به (این) استخوانها بنگر، چگونه آنها را برداشته به هم پیوند می‌دهیم؛ سپس گوشت بر آن می‌پوشانیم. پس هنگامی که (چگونگی زنده ساختن مرده) برای او آشکار شد، گفت: ((اکنون) می‌دانم که خداوند بر هر چیزی تواناست. (۲۵۹)

۵) بقره (۲): آیات ۵۵ - ۵۶

و اذ قلتم يا موسى لن نؤمن لك حتى نرى الله جهرة فاخذتكم الصاعقة و انتم تنظرون (۵۵)

ثم بعثناكم من بعد موتكم لعلكم تشكرون (۵۶)

و چون گفتید ای موسی تا خدا را آشکارا نبینیم هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد پس در حالی که می‌نگریستید صاعقه شما را فرو گرفت (۵۵)

سپس شما را پس از مرگتان برانگیختیم باشد که شکرگزاری کنید (۵۶)

۶ احزاب (۳۳) : آیه ۶۲

سنة الله في الذين خلوا من قبل و لن تجد لسنة الله تبديلا (۶۲)

این سنت خداوند در اقوام پیشین است، و برای سنت الهی هیچ گونه تغییر نخواهی یافت! (۶۲)

۷ بقره (۲) : آیه ۲۱۴

ام حسبتم ان تدخلوا الجنة و لما ياتكم مثل الذين خلوا من قبلكم مستهم البساء و الضراء و زلزلوا حتى يقول الرسول و الذين آمنوا معه متي نصر الله الا ان نصر الله قريب (۲۱۴)

گمان کردید داخل بهشت می‌شوید، بی‌آنکه حوادثی همچون حوادث گذشتگان به شما برسد؟! همانا که گرفتاریها و ناراحتیها به آنها رسید، و آن چنان ناراحت شدند که پیامبر و افرادی که ایمان آورده بودند گفتند: «پس یاری خدا کی خواهد آمد؟!» (در این هنگام، تقاضای یاری از او کردند، و به آنها گفته شد: آگاه باشید، یاری خدا نزدیک است!) (۲۱۴)

۸ فصلت (۴۱) : آیه ۲۱

و قالوا لجلودهم لم شهدتم علينا قالوا انطقنا الله الذي انطق كل شيء و هو خلقكم اول مرة و اليه ترجعون (۲۱)

آنها به پوستهای تنشان می‌گویند: «چرا بر ضد ما گواهی دادید؟!» آنها جواب می‌دهند: «همان خدایی که هر موجودی را به نطق درآورده ما را گویا ساخته؛ و او شما را نخستین بار آفرید، و بازگشتتان بسوی اوست!» (۲۱)

۹ نساء (۴) : آیه ۵۶

ان الذين كفروا بآياتنا سوف نصليهم نارا كلما نضجت جلودهم بدلناهم جلودا غيرها ليذوقوا العذاب ان الله كان عزيزا
حكیما (۵۶)

کسانی که به آیات ما کافر شدند، بزودی آنها را در آتشی وارد می‌کنیم که هرگاه پوستهای تنشان (در آن) بریان گردد (و بسوزد)، پوستهای دیگری به جای آن قرار می‌دهیم، تا کیفر (الهی) را بچشند. خداوند، توانا و حکیم است (و روی حساب، کیفر می‌دهد). (۵۶)

۱۰) نمل (۲۷) : آیه : ۸۳

و یوم نحشر من کل امه فوجا ممن یکذب بآیاتنا فهم یوزعون (۸۳)

(به خاطر آور) روزی را که ما از هر امتی، گروهی را از کسانی که آیات ما را تکذیب می‌کردند محشور می‌کنیم؛ و آنها را نگه می‌داریم تا به یکدیگر ملحق شوند! (۸۳)

۱۱) کهف (۱۸) : آیه : ۴۷

و یوم نسیر الجبال و تری الارض بارزه و حشرناهم فلم نغادر منهم احدا (۴۷)

و روزی را به خاطر بیاور که کوه‌ها را به حرکت درآوریم؛ و زمین را آشکار (و مسطح) می‌بینی؛ و همه آنان (انسانها) را برمی‌انگیزیم، و احدی از ایشان را فروگذار نخواهیم کرد! (۴۷)

۱۲) انبیاء (۲۱) : آیه : ۹۵

و حرام علی قریه اهلکناها انهم لا یرجعون (۹۵)

و حرام است بر شهرها و آبادیهایی که (بر اثر گناه) نابودشان کردیم (که به دنیا بازگردند؛) آنها هرگز باز نخواهند گشت! (۹۵)

۱۳) المومنون (۲۳) : آیات : ۹۹-۱۰۰

حتی اذا جاء احدهم الموت قال رب ارجعون (۹۹)

لعلی اعمل صالحا فیما ترکت کلا انها کلمه هو قائلها و من ورائهم برزخ الی یوم یبعثون (۱۰۰)

(آنها همچنان به راه غلط خود ادامه می‌دهند) تا زمانی که مرگ یکی از آنان فرارسد، می‌گویند: «پروردگار من! مرا بازگردانید!» (۹۹)

شاید در آنچه ترک کردم (و کوتاهی نمودم) عمل صالحی انجام دهم!» (ولی به او می‌گویند چنین نیست! این سخنی است که او به زبان می‌گوید (و اگر بازگردد، کارش همچون گذشته است!) و پشت سر آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته شوند!) (۱۰۰)

۱۴) نور (۲۴): آیه : ۵۵

وعد الله الذين آمنوا منكم و عملوا الصالحات ليستخلفنهم في الارض كما استخلف الذين من قبلهم و ليمكنن لهم دينهم الذي ارتضى لهم و ليبذلنهم من بعد خوفهم امنا يعبدونني لا يشركون بي شيئا و من كفر بعد ذلك فاولئك هم الفاسقون (۵۵)

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعا آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت؛ و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، آنچنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت. و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقانند. (۵۵)

۱۵) آل عمران (۳): آیه : ۸۱

و اذ اخذ الله ميثاق النبيين لما آتيتكم من كتاب و حكمة ثم جاءكم رسول مصدق لما معكم لتؤمنن به و لتنصرنه قال ا اقررتم و اخذتم على ذلكم اصرى قالوا اقرنا قال فاشهدوا و انا معكم من الشاهدين (۸۱)

و (به خاطر بیاورید) هنگامی را که خداوند، از پیامبران (و پیروان آنها)، پیمان مؤکد گرفت، که هرگاه کتاب و دانش به شما دادم، سپس پیامبری به سوی شما آمد که آنچه را با شماست تصدیق می‌کند، به او ایمان بیاورید و او را یاری کنید! سپس (خداوند) به آنها گفت: «آیا به این موضوع، اقرار دارید؟ و بر آن، پیمان مؤکد بستید؟» گفتند: «آری» اقرار داریم!» (خداوند به آنها گفت: «پس گواه باشید! و من نیز با شما از گواهانم.» (۸۱))

۱۶) واقعه (۵۶) آیات ۶۰ و ۶۱

نحن قدرنا بينكم الموت و ما نحن بمسبوقين (۶۰)

على ان نبدل امثالكم و ننشئكم في ما لا تعلمون (۶۱)

ما در میان شما مرگ را مقدر ساختیم؛ و هرگز کسی بر ما پیشی نمی‌گیرد! (۶۰)

تا گروهی را به جای گروه دیگری بیاوریم و شما را در جهانی که نمی‌دانید آفرینش تازه‌ای بخشیم! (۶۱)

آیات مربوط به دیدن نتیجه برخی از اعمال در زندگیهای دیگر

۱۷) سوره سجده (۳۲): آیه ۲۱

و لنذيقنهم من العذاب الاذنى دون العذاب الاكبر لعلهم يرجعون (۲۱)

به آنان از عذاب نزدیک (عذاب این دنیا) پیش از عذاب بزرگ (آخرت) می‌چشانیم، شاید بازگردند! (۲۱)

آیات مربوط به آسمانهای هفتگانه

۱۸) سوره بقره (۲) آیه ۲۹

هو الذى خلق لكم ما فى الارض جميعا ثم استوى الى السماء فسواهن سبع سماوات و هو بكل شىء عليم (۲۹)

او خدایی است که همه آنچه را (از نعمتها) در زمین وجود دارد، برای شما آفرید؛ سپس به آسمان پرداخت؛ و آنها را به صورت هفت آسمان مرتب نمود؛ و او به هر چیز آگاه است. (۲۹)

۱۹) سوره رعد (۱۳) آیه ۲

الله الذى رفع السماوات بغير عمد ترونها ثم استوى على العرش و سخر الشمس و القمر كل يجرى لاجل مسمى يدبر الامر يفصل الآيات لعلكم بلقاء ربكم توقنون (۲)

خدا همان کسی است که آسمانها را، بدون ستونهایی که برای شما دیدنی باشد، برافراشت، سپس بر عرش استیلا یافت (و زمام تدبیر جهان را در کف قدرت گرفت)؛ و خورشید و ماه را مسخر ساخت، که هر کدام تا زمان معینی حرکت دارند! کارها را او تدبیر می‌کند؛ آیات را (برای شما) تشریح می‌نماید؛ شاید به لقای پروردگارتان یقین پیدا کنید! (۲)

۲۰) سوره فصلت (۴۱) آیات ۹ تا ۱۲

قل انکم لتکفرون بالذی خلق الارض فی یومین و تجعلون له اندادا ذلک رب العالمین (۹)

و جعل فیها رواسی من فوقها و بارک فیها و قدر فیها اقواتها فی اربعة ايام سواء للسائلین (۱۰)

ثم استوی الی السماء و هی دخان فقال لها و للارض اثتیا طوعا او کرها قالتا اتینا طائعتین (۱۱)

فقضاهن سبع سماوات فی یومین و اوحی فی کل سماء امرها و زینا السماء الدنیا بمصابیح و حفظا ذلک تقدیر العزیز العلیم (۱۲)

بگو: آیا شما به آن کس که زمین را در دو روز آفرید کافر هستید و برای او همانندهایی قرار می‌دهید؟! او پروردگار جهانیان است! (۹)

او در زمین کوه‌های استواری قرار داد و برکاتی در آن آفرید و مواد غذایی آن را مقدر فرمود، -ینها همه در چهار روز بود- درست به اندازه نیاز تقاضا کنندگان! (۱۰)

سپس به آفرینش آسمان پرداخت، در حالی که بصورت دود بود؛ به آن و به زمین دستور داد: سَخِّ لَهِبِهِ وَجُودَ آئِید (و شکل گیرید)، خواه از روی اطاعت و خواه اکراه! آنها گفتند: «ما از روی طاعت می‌آییم (و شکل می‌گیریم)!» (۱۱)

در این هنگام آنها را بصورت هفت آسمان در دو روز آفرید، و در هر آسمانی کار آن (آسمان) را وحی (و مقرر) فرمود، و آسمان پایین را با چراغهایی (ستارگان) زینت بخشیدیم، و (با شهابها از رخنه شیاطین) حفظ کردیم، این است تقدیر خداوند توانا و دانا! (۱۲)

آیات مربوط به مدت معین

۲۱) معارج (۷۰): آیات ۴ تا ۷

تعرج الملائکة و الروح الیه فی یوم کان مقداره خمسین الف سنه (۴)

فاصبر صبیرا جمیلا (۵)

انهم یرونه بعیدا (۶)

و نراه قریبا (۷)

فرشتگان و روح در روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است به سوی او بالا می‌روند (۴)

پس صبر جمیل پیشه کن، (۵)

زیرا آنها آن روز را دور می بینند، (۶)

و ما آن را نزدیک می بینیم! (۷)

۲۲) طه (۲۰): آیات ۱۰۳-۱۰۴

یتخافتون بینهم ان لبتهم الا عشرا (۱۰۳)

نحن اعلم بما يقولون اذ يقول امثلهم طریقه ان لبتهم الا یوما (۱۰۴)

میان خود به طور پنهانی با یکدیگر می گویند شما [در دنیا] جز ده [روز بیش] نمانده اید (۱۰۳)

ما داناتریم به آنچه می گویند آنگاه که نیک آیین ترین آنان می گوید جز یک روز بیش نمانده اید (۱۰۴)

۲۳) مومنون (۲۳) : آیات ۱۱۲-۱۱۴

قال کم لبتهم فی الارض عدد سنین (۱۱۲)

قالوا لبثنا یوما او بعض یوم فسئل العادین (۱۱۳)

قال ان لبتهم الا قلیلا لو انکم کنتم تعلمون (۱۱۴)

می فرماید چه مدت به عدد سالها در زمین ماندید (۱۱۲)

می گویند یک روز یا پاره ای از یک روز ماندیم از شما رشگران [خود] بپرس (۱۱۳)

می فرماید جز اندکی درنگ نکردید کاش شما می دانستید (۱۱۴)

۲۴) سوره روم (۳۰) : آیات ۵۵-۵۶

و یوم تقوم الساعه یقسم المجرمون ما لبثوا غیر ساعه کذلک كانوا یؤفکون (۵۵)

و قال الذین اوتوا العلم و الایمان لقد لبتهم فی کتاب الله الی یوم البعث فهذا یوم البعث و لکنکم کنتم لا تعلمون (۵۶)

و روزی که رستاخیز بر پا شود مجرمان سوگند یاد می کنند که جز ساعتی [بیش] درنگ نکرده اند [در دنیا هم] این گونه به دروغ کشانیده می شدند (۵۵)

و[لی] کسانی که دانش و ایمان یافته اند می گویند قطعا شما [به موجب آنچه] در کتاب خدا [ست] تا روز رستاخیز مانده اید و این روز رستاخیز است ولی شما خودتان نمی دانستید (۵۶)

۲۵) انعام (۶) : آیه ۶۰

و هو الذی یتوفاکم باللیل و یعلم ما جرحتم بالنهار ثم یبعثکم فیه لیقضی اجل مسمی ثم الیه مرجعکم ثم ینبئکم بما کتبت عملون (۶۰)

و اوست کسی که شبانگاه روح شما را [به هنگام خواب] می گیرد و آنچه را در روز به دست آورده اید می داند سپس شما را در آن بیدار می کند تا هنگامی معین به سر آید آنگاه بازگشت شما به سوی اوست سپس شما را به آنچه انجام می داده اید آگاه خواهد کرد (۶۰)

۲۶) نوح (۷۱) : آیات ۱-۴

انا ارسلنا نوحا الی قومه ان انذر قومک من قبل ان یاتیهم عذاب الیم (۱)

قال یا قوم انی لکم نذیر مبین (۲)

ان اعبدوا الله و اتقوه و اطیعون (۳)

یغفر لکم من ذنوبکم و یؤخرکم الی اجل مسمی ان اجل الله اذا جاء لا یؤخر لو کتبت تعلمون (۴)

ما نوح را به سوی قومش فرستادیم و گفتیم: «قوم خود را انذار کن پیش از آنکه عذاب دردناک به سراغشان آید!» (۱)

گفت: «ای قوم! من برای شما بیم دهنده آشکاری هستم، (۲)

که خدا را پرستش کنید و از مخالفت او بپرهیزید و مرا اطاعت نمایید!» (۳)

اگر چنین کنید، خدا گناهانتان را می آمرزد و تا زمان معینی شما را عمر می دهد؛ زیرا هنگامی که اجل الهی فرا رسد، تاخیری نخواهد داشت اگر می دانستید!» (۴)

*در این مرجع کلا از ترجمه استاد فولادوند استفاده شده است.

مرجع ۲- آیات انجیل

آیات ۱-

یوحنا ۳-۱: ۹

وقتی عیسی از محلی می گذشت ، کور مادرزادی را دید. شاگردان از او پرسیدند : " استاد ، این شخص چرا نابینا بدنیا آمده است ؟ آیا در اثر گناهان خود او بوده است یا در نتیجه گناهان پدر و مادرش؟ " عیسی جواب داد : " هیچکدام . علت آنست که خدا می خواهد قدرت شفابخش خود را اکنون از طریق او نشان دهد.

آیات ۲-

متی ۱۳-۱۰: ۱۷

شاگردانش پرسیدند: " چرا روحانیان یهود با اصرار می گویند که قبل از ظهور مسیح ، الیاس نبی باید دوباره ظهور کند ؟ " عیسی جواب داد : " حق با آنهاست . الیاس باید بیاید و کارها را روبراه کند . در واقع او آمده است ولی کسی او را نشناخت و با او بدرفتاری کردند. حتی من نیز که مسیح هستم ، از دست آنها آزار خواهم دید. " آنگاه شاگردانش فهمیدند که عیسی درباره یحیای تعمید دهنده سخن می گوید.

آیات ۳-

مرقس ۳۰-۲۷: ۸

عیسی با شاگردان خود ایالت جلیل را ترک و به دهات قیصریه فیلیپ رفت. در بین راه از ایشان پرسید : " مردم درباره من چه عقیده ای دارند؟ بنظر آنها من که هستم؟ " شاگردان جواب دادند: " بعضی ها فکر می کنند که شما همان یحیای پیامبر هستید ؛ عده ای هم می گویند که شما الیاس یا یکی دیگر از پیامبران گذشته هستید که دوباره ظهور کرده است. " پرسید : " شما چطور ؟ به نظر شما من که هستم؟ " پطرس گفت : " شما مسیح هستید . " ولی عیسی به ایشان دستور داد که درباره او چیزی به کسی نگویند.

آیات ۴-

نامه پولس به عبرانیان ۱۹-۱: ۷

ملکی صدق — نمونه ای از مسیح

1. این ملکی صدق ، پادشاه « سلیم » و کاهن خدای متعال بود. وقتی ابراهیم بعد از شکست دادن پادشاهان

مراجعت میکرد ملکی صدق با او روبرو شد و او را برکت داد

2. و ابراهیم ده یک هر چیزی را که داشت به او داد. (نام او در مقام اول به معنای « پادشاه نیکوئی » و بعد پادشاه سلیم یعنی پادشاه صلح و سلامتی است).
3. از پدر و مادر و دودمان و نسب یا تولد و مرگ او نوشته ای در دست نیست. او نمونه ای از پسر خدا و کاهنی برای تمام اعصار است .
4. ملکی صدق چه شخص مهمی بود که حتی پدر ما ابراهیم ده یک غنائم خود را به او داد.
5. درست است که شریعت به فرزندان لاوی که به مقام کاهنی می رسند فرمان می دهد که از مردم یعنی از برادران خود ده یک بگیرند ، اگر چه همه آنان فرزندان ابراهیم هستند .
6. اما ملکی صدق با وجود اینکه از نسل آنها نیست از ابراهیم ده یک گرفته است و برکات خود را به کسی داد که خدا به او وعده های زیادی داده بود
7. و هیچ شکی نیست که برکت دهنده از برکت گیرنده بزرگتر است .
8. از یک طرف کاهنان که انسان های فانی هستند ده یک می گیرند و از طرف دیگر ، ملکی صدق ، آن کسی که کتاب مقدس زنده بودنش را تأیید می کند ، ده یک می گرفت .
9. بنابراین ما می توانیم بگوئیم که وقتی ابراهیم ده یک داد ، لاوی نیز که گیرنده ده یک بود به وسیله شخص ابراهیم به ملکی صدق ده یک داده است .
10. وقتی ملکی صدق با ابراهیم ملاقات کرد لاوی در صلب او بود .
11. حال اگر کمال به وسیله کاهنان رتبه لاوی میسر می شد ، (فراموش نشود که در دوران این کاهنان شریعت به مردم داده شد) چه نیازی بود به ظهور کاهن دیگری به رتبه ملکی صدق و نه به رتبه هارون ؟
12. هر تغییری در رشته کاهنان مستلزم تغییر شریعت است .
13. کسی که این چیزها در باره اش گفته شده است از فرزندان لاوی نبود ، بلکه عضو طایفه ای بود که هیچ کس هرگز از آن طایفه پیش قربانگاه خدمت نکرده بود .
14. مسلم است که خداوند ما از طایفه یهودا است. طایفه ای که موسی وقتی در باره کاهنان صحبت می کرد هیچ اشاره ای به آن نکرده است .
15. این موضوع باز هم روشن تر می شود اگر به خاطر داشته باشیم آن کاهن دیگری که ظهور می کند کسی مانند ملکی صدق است .
16. او به وسیله قدرت یک حیات بی زوال به کهنات رسید و نه بر اساس تورات ،
17. زیرا کلام خدا در باره او چنین شهادت می دهد : « تو تا به ابد کاهن هستی ، کاهنی به رتبه ملکی صدق ».
18. پس قانون اولیه به این علت که بی اثر و بی فایده بود لغو گردید ،
19. زیرا شریعت موسی هیچ کس یا چیزی را به کمال نمی رسانید ، ولی یک امید بهتری جای آن را گرفته است و این همان امیدی است که ما را به حضور خدا می آورد .

مرقس ۹:۱

عیسی به شاگردان خود فرمود: " بعضی از شما که الان در اینجا ایستاده اید ، پیش از مرگ ، ملکوت خدا را با تمام شکوهش خواهید دید."

آیات ۶-

مکاشفات پولس ، اسرار آسمانهای دهگانه

زمانی که پولس به آسمان چهارم می رسد ، ... او می گوید : " من فرشتگانی را مشاهده کردم که شبیه خدایان بودند و روحی را از بدن یک مرده از زمین بیرون می کشیدند . " روح به سخن در آمد ، می گوید: " من در دنیا چه گناهی انجام داده ام ؟ " نگهبان این دروازه آسمانی او را متهم می سازد . روح پاسخ می دهد : " شاهدان را حاضر کنید ! به آنها اجازه دهید تا به شما نشان دهند که در کدام بدن من اعمال و کردار زشت و نا صحیح انجام دادم . " سه جسم به عنوان شاهد ظاهر شده و روح را به خشم و حسد و در نهایت به قتل متهم می کنند. " زمانی که روح این چیزها را می شنود ، با تاسف به پایین نگاه می کند ... و نقاب از چهره وی می افتد. " ... " روحی که قالب آن از میان رفته بود به بدنی وارد شد که برای وی آماده شده بود" و این روح تجسم مجددی پیدا کرد....

پولس ، که از این تجربه به لرزه افتاده بود ، از سوی روح القدس مورد خطاب قرار می گیرد و به او اجازه داده می شود تا از دروازه آسمان پنجم عبور کند ...

* آیات ۴-۱ از ترجمه تفسیری انجیل زیر نظر انجمن بین المللی کتاب مقدس استفاده شده است.

** آیات ۵ از ترجمه شریف گویا استفاده شده است.

*** آیات ۶ مربوط به کتاب مکاشفات پولس مکشوفه در سال ۱۹۴۵ در ناگ حمادی است. برای اطلاعات بیشتر به این آدرس ها مراجعه کنید:

http://en.wikipedia.org/wiki/Nag_Hammadi_library

<http://www.comparative-religion.com/christianity/apocrypha/new-testament-apocrypha/4/6.php>

مرجع ۳- احادیث اسلامی

حدیث ۱- رجعت علم سخت و ویژه ایست و هر کسی قدرت درک و تحمل آن را ندارد

ابان ابن ابی عیاش می گوید : " ابوظفیل را در منزلش ملاقات کردم . او در باره رجعت ، احادیث زیادی را از سلمان ، مقداد ، ابی بن کعب و عده ای از اهل بدر نقل کرد. سپس گفت : این احادیث را در کوفه به محضر امیرالمومنین (ع) عرضه کردم، حضرت فرمود : رجعت علم خاص و ویژه ای است که اکثر مردم قدرت درک و تحمل آن را ندارند . سپس تمام احادیث آن ها را تصدیق نموده و روایات زیاد دیگری را هم برایم بیان و به طور شرح و تفسیر کرد ، به قسمی که یقینم به رجعت بیشتر از یقینم به معاد شد... سپس رو کرد به من و فرمود : همانا امر ما (فهم و درک معارف ما) سخت و دشوار است که اقرار نخواهد کرد مگر سه گروه: ملک مقرب ، نبی مرسل ، و مومن نجیبی که خداوند قلبش را با ایمان آزموده باشد. ای طفیل ! مردم بعد از رحلت رسول خدا (ص) در اثر کنار گذاشتن ما اهل بیت به گمراهی و نادانی برگشتند مگر کسانی که خداوند آن ها را به وسیله ما اهل بیت حفظ کرده است."

منبع : بحار الانوار / ج ۵۳ ، ص ۶۸

حدیث ۲ - استدلال امیرالمومنین در مورد رجعت

" عن الاصبح بن نباته : ان عبدالله بن ابی بکر الیشکری قام الی امیرالمومنین (ع) فقال : یا امیر المومنین ! ان اناسا من اصحابک یزعمون انهم یردون بعدالموت، فقال : نعم ، تکلم بما سمعت و لاتزد فی الکلام ، فما قلت لهم ؟ قال : قلت : لا او من بشی ء مما قلت . فقال : ویلک ! ان الله (عزو جل) ابتلی قوما بما کان من ذنوبهم فاماتهم قبل آجالهم التي سمیت لهم ، ثم ردهم الی الدنيا ان یستوفوا ارزاقهم ثم اماتهم بعد ذلک."

اصبح ابن نباته می گوید : " عبدالله ابن ابی بکر یشکری در محضر امیر المومنین بلند شد و عرض کرد : یا امیرالمومنین ! همانا عده ای از شعیان شما گمان می کنند که بعد از مرگ به دنیا برمی گردند ؟ حضرت فرمود بله بگو آنچه شنیده ای . بدون کم و زیاد پس چه گفتی به آنها ؟ عرض کرد: گفتم به هیچ چیزی از گفته های شما ایمان نمی آورم . حضرت فرمود : وای بر تو ! این ، انکار آیات قرآن است. همانا خداوند عده ای را به گناهانشان مبتلا نموده که پیش از اجل معین از دنیا رفته اند و سپس به دنیا بازگشته اند تا این که رزق و روزی شان را از دنیا استفاده نموده و بعد از اجل معین ، برای بار دیگر از دنیا بروند."

منبع : مختصر بصائر الدرجات ص ۲۲ - بحار الانوار / ج ۵۳ ، ص ۷۲ و ۷۴

حدیث ۳ - چندین رجعت

خثعمی می گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که فرمود:

"همانا شیطان از خداوند درخواست کرد که او را تا روز قیامت مهلت دهد، ولی خداوند از درخواست او امتناع ورزید و رد کرد، فرمود: تا روز معلوم از مهلت داده شدگان هستی. وقتی روز معلوم شود شیطان با تمام پیروانش از زمان حضرت آدم تا روز معلوم ظاهر می شوند و آن آخرین رجعت و برگشت حضرت علی (ع) می باشد. راوی با تعجب سوال کرد: آیا چندین برگشت است که این آخرین رجعت حضرت علی است؟! حضرت با تاکید فرمود؟ بلی، همانا چندین رجعت است. هیچ امامی نیست مگر اینکه مومنان و فاجران زمانش با او رجعت می کنند تا اینکه خداوند، مومن را از کافر جدا نموده و بر آنها حاکم کند. پس هنگامی که روز معلوم فرا رسد امیر المومنین در میان اصحابش و شیطان در میان اعقابش رجعت می کنند، محل تلاقی این دو نیرو، در سرزمین اطراف فرات نزدیکی های کوفه به نام "الروحا" می باشد. جنگ سختی بین این دو نیرو شعله ور می شود که هرگز در عالم سایقه نداشته است.

سپس حضرت " شاید برای حصول یقین و رفع شک و تردید راوی " فرمود: گویا الان می بینم اصحاب علی (ع) که حدود صد قدم به عقب برگشته اند و قسمتهایی از پاهای آنها در آب فرات واقع شده و فرو رفته است. در این هنگام است که عذاب الهی بر جنود ابلیس نازل شده و پیامبر اکرم (ص) کار را پایان می دهد، در دست آن حضرت یک حربه ای " وسیله جنگی " از نور است که شیطان با دیدن آن، عقب عقب برگشته و از جنگ سر باز می زند. و قتی یارانش فرار او را مشاهده می کنند، با تعجب سوال می کنند: به کجا می خواهی بروی؟ در حالی که پیروز شدی؟ جواب می دهد: من چیزی را مشاهده می کنم که شما نمی بینید، من از پروردگار عالمیان می ترسم. سپس رسول خدا (ص) به او می رسد و نیزه ای را در میان دو کتفش فرو کرده و به حیات او و اصحابش پایان می دهد. پس از هلاکت شیطان و جنودش فقط خداوند عبادت می شود و هیچ چیزی شریک او قرار نمی گیرد، و امیرالمومنین (ع) ۴۴۰۰۰ سال حکومت می کند ... "

منبع: بحارالانوار/ ج ۵۳ ص ۴۲، - الرجعه ص ۳۵ و ۳۴ - الزام الناصب ص ۲۱۸.

حدیث ۴ - اتفاق همه حوادث امم گذشته در امت اسلامی

مرحوم طبرسی از رسول اکرم (ص) نقل نموده که حضرت فرمود:

" سیکون فی امتی کل ما کان فی بنی اسرائیل حذو النعل بالنعل القذ بالقذ حتی لو ان احدهم دخل حجر صب لدخلتموه؛

به تحقیق تمام حوادثی که در زندگی بنی اسرائیل واقع شده است در امت من واقع می شود ، همانند تطابق دو لنگه کفش و تقارن دو تیر کمان ، حتی اگر احدی از آنها در لانه سوسمار داخل شده باشد ، شما هم داخل خواهید شد."

*این روایت در منابع روایی شیعه به حدی زیاد است که دو تن از محدثان بزرگ شیعه فضل ابن شاذان (متوفای ۲۶۰ ه . ق) و مرحوم صدوق (متوفای ۳۸۱ ه . ق) کتابهای مستقلی در این مورد تالیف کرده اند . چه اینکه مرحوم حر عاملی حدود بیست و شش روایت از رسول گرامی اسلام در این زمینه نقل نموده است.

منبع : مجمع البیان / ج ۷ ، ص ۴۰۵ - بحارالانوار / ج ۵۳ ، ص ۱۲۷ و ۵۹.

مرجع ۴- کتابهای مورد استفاده:

شماره	نام کتاب	نویسنده	مترجم	ناشر
۱	راه کمال	دکتر بهرام الهی	فرزاد یمینی	انتشارات جیحون
۲	معرفت الروح	نورعلی الهی	-	انتشارات جیحون
۳	معنویت یک علم است	دکتر بهرام الهی	ف . یمینی	انتشارات جیحون
۴	مبانی معنویت فطری	دکتر بهرام الهی	ملیکا مابرن ، فرزاد یمینی	انتشارات جیحون
۵	رجعت یا حیات دوباره	احمدعلی طاهری ورسی	-	انتشارات مسجد مقدس جمکران
۶	شناخت ارواح (۲ جلد)	حسن رهبر زاده	-	نشر پارسا
۷	سفر روح	دکتر مایکل نیوتن	دکتر محمود دانائی	انتشارات جیحون
۸	استادان بسیار زندگی های بسیار	دکتر برایان ال.وایس	زهره زاهدی	انتشارات جیحون
۹	دایره خلقت	حسن رهبر زاده	-	نشر پارسا
۱۰	ارواح از بهشت می گویند	حسن رهبر زاده	-	نشر پارسا

مرجع ۵- بریده برخی کتابها

بریده ۱- کلاس رفتن و امکان رشد در برزخ

گزارش شماره ۱۶

- وقتی محل تقسیم را ترک کردی و به فضایی در برزخ که به آن تعلق داری وارد شدی چه کار می کنی؟
- با دوستانم به کلاس درس می روم.
- یعنی در حالت روحی و بدون جسم سر کلاس می روید؟
- بله و در آنجا به آموزش می پردازیم.
- می خواهم مرا همراه خودت به کلاس ببری تا من درست متوجه بشوم که آنجا چه خبر است. اول بگو بیرون مدرسه چه می بینی؟
- (بدون مکت) یک عبادتگاه به سبک یونانی می بینم ، ساختمان مربع شکلی است. جلوی آن ستون های سنگ تراشی شده دیده می شود. بسیار زیبا و با ابهت است. با این حال محل آشنایی دارم چون بعد از بازگشت از هر زندگی زمینی به همین جا می آیم.
- عبادتگاه با معماری به سبک یونانی در برزخ چکار می کند ؟
- نمی دانم چرا اینطور است.... فقط بنظرم خیلی طبیعی می آید.... با اینگونه بنا ها به خاطر زندگی هایی که در یونان داشتم آشنا هستم.
- خیلی خوب ، حالا ادامه بده . آیا کسی هم به ملاقات تو می آید؟
- (با تبسم و خوشحالی) بله معلمم کارلا Karla .
- قیافه و حالتش چطور است؟
- (با اطمینان) از داخل عبادتگاه به طرف من می آید درست مثل یک الهه با قد بلند.... شنل بلندی پوشیده یک شانه او لخت است.... مو هایش را در بالا جمع کرده و روی آن یک گیره طلایی زده.... او به کنار من می رسد.
- حالا به خودت نگاه کن. - آیا لباس تو هم همان طور است؟
- همه ما لباس هایمان شبیه است.... نورانی هستیم میزان نور عوض می شود.... کارلا می داند که اندام و لباس او را چقدر دوست دارم .
- بقیه کجا هستند؟
- کارلا مرا به داخل مدرسه می برد. یک کتابخانه بزرگ می بینم چند نفر، چند نفر دور هم نشسته اند و با آرامی صحبت می کنند.... محیط بسیار گرم و صمیمی است من با این حالت به نحوی آشنا هستم.

منبع : سفر روح - صفحه ۱۲۷-۱۲۸

بریده ۲- بازگشت به جسم و انتخاب اختیاری زندگی زمینی

گزارش شماره ۲۵

- وقتی به این نتیجه رسیدی که علاقه مند هستی به زمین بازگردی، آن وقت چه می شود؟
- خوب، وقتی من و راهنمایم موافقت کنیم که زمان فعالیت مجدد فرا رسیده من افکار خود را ارسال می کنم.
- ادامه بده.
- آن وقت هماهنگ کنندگان پیغام های مر دریافت می کنند.
- هماهنگ کنندگان چه عناصر هستند؟ مگر راهنمای آموزشی تو ترتیب همه امور مربوط به حلول ترا نمی دهد؟
- نه ، او با هماهنگ کنندگان ، که عملا ما را در میدان مشاهده امکانات زندگی بعدی کمک می نمایند ، ما مذاکره می کند.
- منظورت از میدان چیست؟
- محلی است که الان باید به آنجا بروم. ما آن را میدان سرنوشت می نامیم. ما آن را میدان سرنوشت می نامیم.
- آیا در برزخ فقط یک میدان وجود دارد؟
- (مکتب)نه، تصور می کنم میدان های زیادی هستند. اما من همه را ندیده ام.
- بسیار خوب با شمارش ۳ من و تو ، هر دو به میدان می رویم. وقتی به شماره ۳ رسیدیم تو توانایی خواهی داشت تمام جزئیات را به یاد آوری. آیا آماده هستی؟
- بله.
- یک ، دو ، سه ! روح تو الان دارد به محل انتخاب زندگی بعدی می رود. به من بگو چه می بینی؟
-
- (کمی عصبی) یک لحظه احساس سکوت می کنم همیشه همینطور است..... بعد مثل این است که کسی پروژکتور را در یک سالن سینما که پرده خیلی پهنی دارد روشن می کند. تصاویری روی پرده ها می افتد ... کاملا زنده و واقعی بنظر می آیند.... با رنگ های مختلف نور، صدا و حرکت.
- به گزارش خود ادامه بده. روح تو کجای پرده است؟
- من در وسط هستم . صحنه های زندگی را در تمام اطراف خود می بینم مکان ها و مردم مختلف ... (با شوق) اوه ... این شهر را می شناسم.
- کدام شهر؟
- نیویورک
- تو درخواست کرده بودی که نیویورک را ببینی؟
- در خصوص بازگشت به آنجا حرف زده بودیم(کاملا محو صحنه است) اوه.... چقدر عوض شده... آسمان خراش ها ، ساختمان ها بیشتر شده اند.... چقدر اتومبیل است.... چقدر پر سر و صدا و شلوغ است.
- خوب ، صحبت در مورد نیویورک را بعدا ادامه می دهیم. فعلا به من بگو در میدان چه انتظاری از تو دارند؟
-
- من مشغول مرور صحنه ها هستم . وقتی به نقطه عطفی در مسیر زندگی آینده ام برسم که مستلزم اخذ تصمیم مهمی در مورد امکانات و حوادث مختلف است باید انتخاب های گوناگون را بررسی کنم.
- پس این خطوط نمایشگر مسیر هایی هستند که در هر زمان و مکان انتخاب آن برای تو وجود دارد؟
- بله در میدان مسیر های مختلف ترسیم شده و به من منتقل می شوند.

- آیا تو خودت صحنه های زندگی آینده ات را خلق می کنی؟
- اوه... نه... من فقط حرکت خودم را در آن مسیر ها مورد بررسی قرار می دهم.
- در مورد این خطوط می توانی توضیح بیشتری بدهی؟
- این خطوط انرژی مسیر هایی هستند که با نقاط نورانی رنگ آمیزی شده ، مثل تابلوهای راهنمایی مشخص شده اند. من می توانم روی آنها جلو بروم، به عقب بازگردم و یا صحنه ای را متوقف کنم
- مثل دستگاه ویدئو است که دکمه های جلو ، عقب و ایست دارد؟
- (با خنده) بله ، مثلا
- بسیار خوب ، تو در جهت این خطوط و مسیر ها حرکت می کنی و صحنه های مختلف را مورد بررسی قرار می دهی و تصمیم می گیری چه موقع دکمه ایست یا توقف را فشار دهی. حالا بگو بعد چکار می کنی؟
- من صحنه را به همان صورت روی پرده متوقف می کنم و خودم وارد صحنه می شوم.
- چه گفتی؟ آیا منظورت این است که خودت جزو صحنه واقعی روی زمین می شوی؟
- بله ، چون از میدان به اعمال و فعالیتهای صحنه دسترسی دارم.
- به چه ترتیب؟ آیا تو واقعا جزو بازیکنان صحنه می شوی یا اینکه روح تو در آن اطراف بقیه را نظاره می کنی؟
- هر دو.... من می توانم نحوه برخورد با هر یک از افراد را شخصا تجربه کنم و ضمنا قادر هستم که از نقطه مناسبی اعمال بقیه را بنگرم.
-
- تناقضی که در این وضعیت می بینم این است که طبق گفته های تو چیزی که باید در آینده رخ دهد در واقع قبلا رخ داده است، پس چطور شما می توانید روح خود را به شکل یک انسان در صحنه ای که باید در آینده واقع شود وارد کنید و بعد هم اگر نخواستید از صحنه بیرون بیایید؟
- (با تبسم اسرار آمیز) وقتی روح با جسمی در روی زمین تماس حاصل کند آن صحنه برای یک لحظه متوقف می شود . مدت آن خیلی کوتاه است. لذا ما باعث نخواهیم شد سیکل های زندگی به هم بخورد.
- خوب اگر وقتی شما در حال مرور هستید ، گذشته م حال و آینده در واقع از یکدیگر جدا نیستند ، پس چرا شما صحنه را متوقف می کنید که امکانات خود را بررسی کنید ، حال آنکه قاعدتا شما می بایست عاقبت هر انتخاب را ببینید.
- متأسفانه شما قادر نیستید نحوه استفاده از بعد زمان در میدان را درک کنید . زندگی به هر حال مشروط است . پیشرفت زمان برای امتحان ما خلق شده است. پایان همه راهها را هم به ما نشان نمی دهند . قسمت هایی از هر صحنه زندگی برای ما مبهم است.

منبع : سفر روح - صفحه ۲۷۰-۲۷۵

بریده ۳- نتیجه اعمال زشت در زندگیهای بعدی و در برزخ

گزارش شماره ۱۰

- آیا روح در مقابل اعمال خطای جسم بشری خود که منجر به تجاوز به حقوق دیگران می شود مسئولیت دارد؟

- بله اعمالی که به سایرین صدمه بزند به روح هم مربوط می شود. من با یک روح که این وضع برایش پیش آمد آشنا هستم.
- در مورد آن عنصر روحی چه می دانی؟ وقتی آن روح بعد از زندگی زمینی که مرتکب خطا شده بود به برزخ آمد برایش چه اتفاقی رخ داد؟
- آن مرد سبب ناراحتی شدید دختری شده بود... وقتی اینجا آمدیم به گروه ما نپیوست. چون اعمال زندگی زمینی او خیلی بد بود برایش دوره آموزشی جدا ترتیب دادند.
- تنبیه او به چه صورت بو؟
- تنبیه ... به معنای دیگری است... بازسازی بهتر است... البته این بستگی به هر معلم دارد... معلم ها بطور کلی با آنهایی که آزار و ضررشان به بقیه رسیده جدی تر برخورد می کنند.
- منظورت از جدی تر چیست؟
- خوب ... این دوستم را نگذاشتند که با ما همراه شود... با دوستانش باشند... بعد از اینکه در آن زندگی زمینی آن دخترک را آزار داده بود.
- آیا او هم از همان مسیری که به برزخ بازگشته بودید ، به آنجا آمد؟
- بله ، اما کسی به ملاقاتش نیامده بود، او را مستقیما به جایی فرستادند که به تنهایی با یک معلم مشغول آموزش شود.
- بعد برایش چه روی داد؟
- بعد از مدتی... نه خیلی طولانی... او را به صورت یک زن به زمین بازگرداندند... که مردم اطرافش خیلی خشن بودند ... همه را به طور فیزیکی مورد تجاوز قرار می دادند... این انتخاب مخصوصا برایش شده بود که مورد تجاوز قرار گرفتن را تجربه کند.
- فکر می کنی این روح ، برای آزردن آن دختر در زندگی قبلی ، جسم آن زمان خود را سرزنش می کرد و مسئول می دانست.
- نه ... او خودش خطا را قبول کرد... خودش را سرزنش می کرد که نتوانسته جلوی وسوسه و لغزش های جسمش را بگیرد. او قبول کرد که در زندگی بعدی بصورت یک زن مورد تجاوز قرار بگیرد ... تا درست درک کند چه بر سر آن دختر آورده است.
-

منبع : سفر روح - صفحه ۸۰-۸۱

بریده ۴ - طبقه بندی هفتگانه ارواح

جدول طبقه بندی سطح پیشرفت روح

مرحله آموزش	طیف رنگی	سمت راهنمایی و هدایت	فراوانی در زمین **
سطح ۱ مبتدی	سفید (روش و یکنواخت)	ندارد	٪۴۲
سطح ۲ متوسط پایین	شیری رنگ(با رگه های قرمز ، نهایتا به زردی می رسد)	ندارد	٪۳۱

سطح ۳ متوسط	زرد(یکنواخت بدون رگه های سفید)	ندارد	٪۱۷
سطح ۴ متوسط بالا	زرد تیره(طلایی عمیق،نهایتا به آبی رنگ می رسد)	معلم	٪۹
سطح ۵ پیشرفته	آبی روشن(بدون رگه های زرد، نهایتا به بنفش می رسد)	معلم ارشد	٪۱
سطح ۶ بسیار پیشرفته	آبی تیره بنفش	استاد	-
سطح ۷ قدیمیها *	-	خردمندان	-

منبع : سفر روح - صفحه ۱۴۰

* به این سطح در صفحه ۲۳۴ اشاره شده است.
** این فراوانیها در صفحه ۱۶۸ مشخص شده است.

بریده ۵- بازنگری کتابهای زندگی در برزخ

-
- خوب ، حالا بگو تو و دوستانت در این کتابخانه چه می کنید؟
- من سر میز خودم می روم و همه ما کتاب ها را تماشا می کنیم.
- کتاب ها ؟ چجور کتاب هایی؟
- کتاب های زنده ، مربوط به زندگی خودمان.
- در مورد این کتاب ها بیشتر برایم توضیح بده.
- کتاب ها فقط تصویری هستند..... جلد سفید کلفت دارند..... ضخامت هر کدام ۵ تا ۷ سانتیمتر است. قطع آنها هم خیلی بزرگ است.
- یکی از این کتاب ها را بردار، باز کن و بگو چه می بینی؟
- (دستهایش به حالتی که کتابی را باز می کند حرکت می کند) در این کتاب هیچ نوشته ای نیست. خر چیز که ما می بینیم تصویری است... عکس های زنده.
- عکس های متحرک؟
- بله... عکس ها چند بعدی هستند. حرکت می کنند، تصاویر در جهت های مختلف نور عوض می شود.
- یعنی عکسها مسطح نیستند، عمق دارند بله؟
- بله بله، صحنه های زندگی خودمان در آنجا منعکس می شود.
- دقیقا شرح بده تو و دوستانت چطور از این کتاب ها استفاده می کنید؟
- اول که کتاب را باز می کنیم تصویر خیلی واضح نیست، بعد کم کم یکی از صحنه های زندگی زمینی ما کاملا مشخص می شود ، در قطع و اندازه کوچک تر.... مثل مینیاتور صحنه واقعی زندگی.
- بعد زمان به چه ترتیب در این کتاب ها و صحنه ها منعکس می شود؟

- هر تصویر مربوط به یک صحنه واقعی از زندگی زمینی ماست. زمان به صورت فشرده در آمده.
- فعلا من با ماجرای زندگی ها قبلی تو کاری ندارم. یکی از کتاب ها را بردار و بگو اولین چیزی که توجه تو را جلب می کند چیست؟
- من نداشتن نظم و ترتیب و دیسیپلین فردی در زندگی اخیر زمینی خود را می بینم ، صحنه های مربوط به این موضوع الان به ذهنم می آید. غیر از این ، صحنه مرگ جسم خودم را هم می بینم. در جوانی مردم، ضمن یک زد و خورد عشقی.... پایان بی نتیجه ای بود.
- آیا در کتاب ها صحنه های زندگی زمینی آینده خود را هم می توانی ببینی؟
- بعضی امکانات را می شود دید.... فقط کمی... بصورت درس هایی که باید اینجا یاد بگیریم.... غالبا اینگونه امکانات بعدا با کمک بقیه بررسی خواهند شد. هدف اصلی استفاده از این کتاب ها ، بررسی و تاکید بر اعمال گذشته ماست.
- اصولا برداشت تو از جمع شدن در این کتابخانه به همراه سایر هم ردیف هایت چیست؟
- ما یکدیگر را کمک می کنیم تا بتوانیم به اشتباهاتی که در زندگی اخیر زمینی مرتکب شده ایم واقف گردیم. معلم ما گاهی اینجا هست، گاهی نیست و لذا ما با بقیه هم ردیف ها درس می خوانیم و تصمیماتی که در موقعیت های مختلف گرفتیم و انتخاب هایی که از بین امکانات متفاوت کردیم را مورد تجزیه و تحلیل و بررسی قرار می دهیم.

منبع : سفر روح - صفحه ۱۳۰-۱۳۱

بریده ۶- امکان خلق به اذن الهی برای ارواح گروه ۵

- تیس، بنظر می رسد برنامه آموزشی روح ها تنوع زیادی دارد. حالا می خواهیم به جنبه دیگری از تعلیمات شما وارد شوم. آیا انرژی شما از خواص نور، گرما و حرکت ، برای خلق کردن حیات ، بهره برداری می کند؟
- (با تعجب) شما هم از این موضوع خبر دارید؟
- بله تو در این مورد چه می توانی برایم بگویی؟
- فقط اینکه من با این مفاهیم آشنا هستم.
- من نمی خواهم در خصوص مطالبی صحبت کنم که سبب ناراحتی تو بشد، اما سپاسگذار خواهم شد اگر تو هم راجع به فعالیت روح ها در زمینه بیولوژیک صحبت کنی.
- (از جواب اکراه دارد) اوه... من فکر می کنم....
- (فورا جواب او را قطع کرد) تو به تازگی چه فعالیتی در زمینه خلاقیت داسته ای که کومارا به وجود تو افتخار کرده باشد؟
- (بدون مقاومت) من در مورد ماهی ها تخصص دارم.
- (عمدا سوال اغراق آمیزی مطرح می کنم که او را وادار به ادامه صحبت نمایم) خوب پس تو با انرژی ذهنی می توانی یک ماهی کامل را خلق کنی؟
- حتما شوخی می کنی؟
- پس کارت از کجا آغاز می شود؟
- در مرحله بدوی، با جنین embryos ، فکر می کردم شما می دانستید.

- فقط می خواستم مطمئن شوم. فکر می کنی چه موقع آماده خلق کردن پستانداران را به دست آوری؟
- (جواب نمی دهد)
- بین تیس اگر فقط چند لحظه با من همکاری کنی، قول می دهم دیگر در این زمینه سوالی نکنم. موافق هستی؟
- (مکت) تا ببینم!
- بسیار خوب، به عنوان یک اطلاع اولیه ممکن است بگویی تو قبل از رسیدن به مرحله خلق ماهی ها، انرژی خود را برای ایجاد حیات چگونه استفاده می کردی؟
- (با اکراه) ما با توجه به شرایط موجود به اورگانسیم ها دستور می دهیم.
- در دوران آموزشی خود، آیا این کار را فقط در یک دنیا انجام می دادی یا در دنیا ها مختلف؟
- در بیشتر از یک محل(در این زمینه توضیح بیشتری نمی دهد جز اینکه همه آن عوالم مانند کره زمین هستند).
- در حال حاضر در چه محیطی کار می کنی؟
- در اقیانوس ها.
- با موجودات ریز شناور در آب و جلبک ها؟
- وقتی شروع کردم کارم در ارتباط باهمین نوع موجودات بود.
- منظورت قبل از شروع کار کردن روی جنین ماهی هاست؟
- بله.
- پس وقتی روح به مرحله خلق موجود زنده می رسد ابتدا باید با میکروارگان ها شروع کند؟
- بله ، با سلول های کوچک و یادگیری این کار هم بسیار دشوار است.
- چطور؟ چرا مشکل است؟
- انرژی ما نمی تواند با سلول های حیاتی کار کند مگر آنکه بتوانیم آن را به مولکول ها تبدیل کنیم.
- پس تو با استفاده از انرژی خود و آمیختن عناصر مولکولی می توانی ترکیبات شیمیایی جدیدی را تولید کنی؟
- سر خود را به علامت تایید تکان می دهد)
- ممکن است دقیق تر توضیح دهی؟
- خیر ، نمی توانم.
- خوب ، بگذار این مطلب را جمع بندی کنم و خواهش دارم اگر به بیراهه می روم به من اطلاع بده. وقتی روح به سطح مهارت خلق موجودات زنده می رسد باید بتواند سلول ها را بشکند و DNA خاصی را بوجود آورد، و تو اینکار را از طریق ارسال ذرات انرژی خود به ماده اصلی جسم سلولی پروتوپلاسم انجام می دهی؟
- بله، ما باید این کار را یاد بگیریم... با هماهنگ کردن آن با انرژی یکی از خورشید ها.
- چرا گفתי یکی از خورشید ها؟
- چون هر خورشید اثر انرژی خاصی بر روی کرات اطراف خود دارد.
- پس چرا تو در نحوه اثر طبیعی هر خورشید بر روی کرات مختلف مداخله می کنی؟
- نه من مداخله بیهوده نمی کنم. ما باید ساختار های جدید مثل تحولات، جهش ها ، موتاسیون ها را بررسی کنیم تا ببینیم کدام یک مناسب تر است و بهتر کار می کند. ما باید ببینیم عناصر به چه ترتیبی باید کنار یکدیگر قرار گیرند، تا با استفاده از خورشید های مختلف مطلوب ترین بهره برداری از آنها بعمل آید.

- وقتی موجد زنده جدیدی روی سیاره ای پدیدار می شود. آیا برای تطبیق با وضعیت زیست و تنازع بقاء تحت شرایط طبیعی عمل می کند، یا ذهن یک روح روشن و آگاه ، آنچه را اتفاق می افتد هدایت می کند؟
- (با ابهام) معمولا در هر سیاره ای که پذیرای حیات باشد روح هایی هستند که نظارت می کنند، منتها کار ما کاملا طبیعی است.
- روح ها چطور می توانند بر مشخصات زیستی رشد که در عرض میلیون ها سال تحول یافته نظارت داشته باشند و بر آن تاثیر بگذارند؟
- بعد زمان برای ما مثل شاخص معمول در کره زمین نیست. ما به نحوی که برای آزمایشاتمان لازم باشد از آن استفاده می کنیم.
- آیا تو شخصا خورشید ها را هم می توانی خلق کنی؟
- یک خورشید تمام عیار! اوه خیر- این کار خیلی بالاتر از حد من است و به نیروی دسته جمعی عده زیادی نیاز دارد من فقط می توانم چیزهایی را در اندازه کوچک ایجاد کنم.
- تو چه چیزی را می توانی شخصا ایجاد کنی؟
- یک تکه کوچک ماده بسیار فشرده... و حرارت داده شده.
- وقتی کار خلاقیت تو تمام شد، نتیجه کار به چه شکل است؟
- مثل یک منظومه شمسی کوچک.
- این مینی خورشید ها و سیاره ها یی که تو ایجاد می کنی به چه اندازه هستند؟ به اندازه یک قلوه سنگ ، یک ساختمان ، یک ماه!
- (باخنده) خورشید های من به اندازه یک توپ بسکتبال هستند و سیاره ها... به اندازه تیله های بازی.. خوب چکار کنم ، از من بیشتر از این بر نمی آید.
- چرا در اندازه های کوچک کار می کنی؟
- برای تمرین تا بتوانم خورشیدهای بزرگ تری بسازم. میزان فشار و تراکم اتم ها وقتی به حد معینی برسد منفجر شوند و من به تنهایی از عهده ایجاد چیز بزرگ تری بر نمی آیم .
- منظورت چیست؟
- ما باید برای اخذ بهترین نتیجه بصورت گروهی کار کنیم و انرژی های خود را با هم ترکیب نماییم.
- خوب، پس چه کسی انفجار های هسته ای - حرارتی در اندازه های واقعی را که سبب خلق کائنات و خود فضا می شود بوجود می آورد؟
- مبدا انرژی منسجم و متمرکز قدیمی ها.
- اوه ، پس مبدا کمک کار هم دارد؟
- بله فکر می کنم.
- چرا تو کوشش می کنی که با انرژی خود بتوانی نمونه های حیاتی پیچیده تری را خلق کنی، در حالی که کومارا و عنصرهای بالاتر از او قبلا این خبرگی را بدست آورده اند؟
- از ما انتظار می رود که بتوانیم به آنها بپیوندم ، همان طور که آنها مشتاق هستند انرژی خود را با قدیمی ها متحد کنند.

بریده ۷ - تشریح عوالم هفت گانه

همانطوری که در بالا اشاره شد، جهانهای روحی به علت اثیری بودن، در داخل این کهکشانشان و کائنات که زمین هم جرئی از آن عالم است، قرار دارد. جهانهای روحی به ترتیب فاصله و قرار گرفتن از زمین به شرح زیر هستند و کلیه این اطلاعات را روح نگهبان مولف به همراهی گروهی از دانشمندان روحی (که به تازگی به عوالم روحی پیوسته اند) در اختیار مولف قرار داده اند که امید است مورد توجه قرار گیرد.

جهان اول اثیری: تا ارتفاع بسیار کمی در قسمت بالا کره زمین قرار گرفته و ارواحی که دارای ثقل و تکائف مادی و گناه فراوانی نسبت به سایر ارواح می باشند این طبقه را پوشانیده و قدرت حرکت به سطح بالا تر از حد معین را نخواهند داشت و این ارواح بطور دائم در اطراف کره زمین، که عالم اثیری آن را پر کرده است، در شرایط بسیار بدی به سر می برند، این ارواح به خاطر نزدیک بودن با سطح کره زمین، دائماً در حال زجر و ناراحتی هستند، چون بطور دائم شاهد از بین رفتن دل بستگی های مادی زمان حیات خود می باشند و هیچ گونه اقدامی در این موارد نمی توانند انجام دهند. پس از مدتی به جهان اول یا جهنم برای زجر و مکافات انتقال می یابند و جهان اول روحی نزدیک ترین جهانها و یا عوالم روحی به زمین است.

جهان دوم اثیر یا جهان دوم روحی: در این طبقه از جهان روحی، ارواحی که ثقل کمتری نه نسبت ارواح قبلی دارند زندگی می کنند. اگر فرض کنیم افرادی که مرتکب قتل عمد شده اند و در جهان اول قرار دارند، در جهان دوم ارواحی وجود خواهند داشت که به طریقی تسهیلات انجام آن قتل را فراهم کرده اند و یا قاتل را راهنمایی کرده اند و خداوند متعال در مورد این جهان در قرآن کریم سوره مبارکه اعراف آیه ۴۶ می فرماید:

اعراف سر حدی است بین بهشت و جهنم
که در علم روحی بنام جهان دوم معرفی شده است.

جهان سوم اثیری یا بهشت: این جهان تفاوت چندانی با حالت زندگانی بشر در سطح کره زمین را ندارد و تقریباً امکانات و وسائلی که بر روی کره زمین برای کلیه افراد زنده فراهم است، جهت ارواحی که در جهان سوم روحی نیز زندگانی می کنند مهیا است، این جهان را جهان الوان نیز می نامند، چون رنگ لباس ها و سائلی که در آن یافت می شود، تفاوت چندانی با کره خاکی ندارد. ارواحی که ثقل آنان طوری است که قادر به رسیدن به این جهان می باشند، در وهله نخست ورود به بهشت تصور نمی کنند که مرده اند، چون تقریباً کلیه شرایط محیطی با حیات مادی آنان برابر است و کلیه ادراک و حواس خود را در این مرحله از حیات روحی حفظ می کنند.

جهان چهارم روحی: از این جهان روحی به بعد حالت زندگی ارواح تغییراتی کلی می یابند، بدین نحو که عقل در زندگی روحی دخالت مستقیم بیشتری داشته و از حواس موجود استفاده نمی شود، ارواحی که پا به این جهان می گذارند، به سطح تکاملی نسبی بالاتری رسیده اند و از این پس رو به ترقی و تعالی خواهند بود و برای تکامل روحی نیازی به همزیستی با ماده را نخواهند داشت.

جهان پنجم اثیری : در این جهان ارواح به تکامل بیشتری رسیده و تسلط بیشتری نیز بر عقل خواهد داشت و کلیه ثقل های باقیمانده را که مربوط به حیات مادی آنان است از خود دور ساخته اند . ارواح در این عالم تقریباً به صورت نور تبدیل می شوند و تغییر حالت جدیدی در آنان به وجود خواهد آمد.

جهان ششم روحی یا نوری: در این جهان ارواح به صورت نور و انرژی کامل تبدیل می گردند و کلیه ارواح خود را به صورت نور مشاهده می کنند و به سادگی قادرند با قوه ادراکه و طرز تفکر خود ، تمام دوران حیات های مادی و روحی خود را به شکل زمان حال درک کنند و در این جهان ارواح خود را آماده انتقال و جذب به جهان هفتم کنند.

جهان هفتم اثیری یا جهان عقل کل: در این جهان ، ارواح با عقل آگاه و روحی تکامل یافته و حالتی نورانی و پر از انرژی مستقیماً به سوی عقل اعظم و یا روح بزرگ حرکت می کنند و به آن می پیوندند و جزئی از وجود آن می شوند و پس از به وجود آمدن این حالت است که ارواح به حیات جاودانه ای دست خواهند یافت.

قسمت های فوق ، مختصری از تقسیم بندی جهان ارواح است که هر یک از افراد بشر باید بنا بر حکم فطرت این مسیر را در زمان های مختلف طی کند. تمام ارواحی که در این مورد بحث و گفتگو کرده اند به این حقیقت بشارت داده اند که کلیه موجودات عالم هستی یکی پس از دیگری خود را به جهان هفتم خواهند رسانید . چنانچه افراد بشر بتوانند در زمان حیات خود به مرحله ای از انسانیت برسند و این مطلب را درک کنند که به خاطر اعمال و رفتار شایسته زمان حیات نیازی به تکامل روحی مکرر نداشته باشند، مسلماً سریعتر قادر خواهند بود خود را به ابدیت و عقل کل جهان یا روح اعظم برسانند و جزئی از آن شوند.

منبع: شناخت ارواح – صفحه ۱۸۰ تا ۱۸۲

بریده ۸- گزارشات یک روح از جهان اول یا جهنم و سپس رشد وی به جهان دوم یا اعراف

در یکی دیگر از جلسات روحی با یکی از ارواح حاضر در جلسه تماس برقرار شد و روح حاضر در باره زندگانی پس از مرگ خود چنین اظهار داشتند:

- من پس از مرگ دچار عذاب و ناراحتی شدیدی شدم . به این ترتیب که پس از مدتی روح از جسم خود جدا شد ، مجدداً سعی نمود تا بتواند وارد جسم شود و زندگی مادی را دوباره باز هم ادامه دهند. مدت‌ها دچار عذاب و ناراحتی بودم تا خلاصه پس از مدتی جسم من متلاشی شد و نتیجتاً از آن عمل منصرف شدم و در نهایت روح از جسد مادی خود جدا شد . پس از آن مدتی را در بیخبری به سر بردم و زمانی به هوش آمده و بر خود مسلط شدم که درد و عذاب بعدی بر من چیره شده بود به این معنی که خود را در تاریکی بسیار شدیدی یافتم . گاهی هم در این تاریکی سرمای کشنده ای به وجود می آمد و کوچکترین روزنه ای از روشنایی در آنجا دیده نمی شد . در آن زمان کلیه خطاهای گذشته ام در نظرم مجسم گردیده و آنان را به خاطر آوردم. در اطراف خود گاهی ارواحی را دیدم که نورانی بودند و به من درس انسانیت و درستی و خداشناسی می دادند و گاهی هم در آن تاریکی حس می کردم که ارواحی در اطرافم در حال حرکت هستند و از کنار من می گذشتند و آنان هم به سرنوشت من گرفتار بودند.

گاهی دنبال آنان به راه می افتادم ولی با این عمل هیچگونه هدف و یا خواسته ای را دنبال نمی کردم . اکثر ارواحی که در این قسمت قرار داشتند لخت بودند و گاهی هم ارواح نورانی برای مسخره کردن ما به این منطقه می آمدند . من همیشه آنجا در حال تاسف خوردن به گذشته های زمان خود بودم . چون در زمان حیات این مقدرات را داشتم تا اینکه بتوانم هزاران کار درست و ثواب انجام دهم ، ولی بخاطر کبر و غرور و خودخواهی هیچ عمل مثبتی را برای اجتماعات خود نتوانستم انجام دهم و اگر هم کسی کار مثبتی را انجام می داد مانع کار او می شدم و هرگز به فکر زمان مرگ نبودم و حتی وجود آن را هم نمی توانستم تصور بکنم . زمان توقف و ماندن من در آن تاریکی و سرما چقدر به طول انجامید اطلاع صحیحی از آن به دست ندارم و تصور می کنم که بیش از عمر زمان حیاتم بوده باشد .

من در آنجا توسط ارواح خیر و نیکوکار راهنمایی شدم و به خدای یگانه ایمان آورده و از تمام کرده های خود پشیمان شدم تا زمانی که به فضایی جدید تر وارد شدم . در این محیط جدید اندکی نور وجود داشت و در آن محیط قادر بودم تا همه چیز را از هم تقریباً تمیز دهم در آن محل خود را لباس پوشیده یافتم ، و هر چه از زمان ماندن من در آن منطقه بیشتر می گذشت ، لطف و مرحمت خداوند نیز بیشتر نصیب حال من می شد و تابش نور فزونی می گرفت . امروز که در جلسه روحی شما حاضر شده ام در وضعیت روحی بهتری قرار دارم . البته می دانم که هنوز به جهانهای بالای روحی ارتقا نیافته ام ولی درد و عذاب من کاملاً از بین رفته و امیدوارم که بتوانم روزی به جهانهای والای روحی انتقال یابم .

منظور از حضور من در جلسه روحی به خاطر یک امر مهمی است و آن هم پندی است که به شما خواهم داد و اگر مقدر شما بود این حقیقت را به همگان بگویید : (افراد بشر قبل از مرگ می بایست درست و پاک و خیر باشند ، و از انجام عمل خوب و پسندیده نسبت به کسی دریق نکنند . کمک آنان نسبت به دیگران باید بی دریق و در راه خداوند باشد نه برای برگشت عمل آنان . باید به خاطر داشته باشید که اعمال خیر و نیک فقط بذل و بخششهای مادی نبوده بلکه می توان به صورت لطف و مرحمت و دوستی و صداقت و یا دلجویی و همدردی و غیره هم باشد و گاهی هم دردی و مهربانی بهتر از بخشیدن مادیات است . اگر چنانچه به کسی کمک و محبت نمودید و او قدر احسان و محبت شما را ندانست، در صورت امکان باز هم خوبی خود را نسبت به وی ادامه دهید .) چقدر از شما متشکرم که جلسه روحی تشکیل داده بودید و من به راحتی آن را یافتم و با شرکت در جلسه شما توانستم پیامهای خود را برسانم شاید روزی این پیامها به گوش فرزندان من هم برسند و در زمان حیات خود بتوانند راه حق و حقیقت را دنبال کنند و از بدیها دوری جویند . مجدداً نام او را جوینا شدیم ولی نام خود را برای ما فاش نکرد . در خاتمه اظهار داشت : من در زمان حیات شخص متمول و مشهوری بودم و محبت واقعی را گاهی از خودم هم دریق می کردم . در زندگانی فقط به فکر مال و منال و ثروت خود بودم ، حتی به فرزندانم هم فکر نمی کردم و از دیدن فقرا ابداً احساس راحتی نمی کردم و توجهی به آنان نداشتم ولی اکنون باید کفاره اعمال و کردار و رفتار گذشته خویش را که مربوط به زمان حیات مادی من است بپردازم .

منبع : شناخت ارواح - صفحه ۱۵۶ تا ۱۵۸

بریده ۹- شرحی از چگونگی زیست ارواح در جهان سوم روحی یا بهشت:

در مورد چگونگی محل سکونت و استراحت ارواح از روح نگهبان نویسنده کتاب سوال شد و ایشان در جواب چنین فرمودند :

ارواح مانند بشر در زندگانی روحی خود احتیاج به استراحت دارند و اکثرا در منازل شخصی خود که در اثر عقل بر ماده ساخته شده استراحت می کنند و حالت استراحت آنان مانند افراد بشر نیست . چون ساختمان سلولهای بشر طوری است که در اثر فعالیتهای مدام از خود موادی را ترشح می کند که باعث خستگی در جسم می شود . در اثر وجود و ازدیاد این مواد است که بشر قادر به ادامه کار نبوده و می بایست مدتی را جهت جذب و دفع آنها استراحت کنند ، ولی جسم اثیری ارواح فاقد سلولهای مادی است و هرگز خسته و فرسوده نمی شود و جسم اثیری جهت خستگی احتیاج به استراحت ندارد. استراحت ارواح فقد برای تجدید عقلی و فرو رفتن در افکار و شناخت روح و نسبت آن به خداوند و استفاده از نعمات خداوندی است که به ارواح در این طبقه عنایت شده است ، نظیر میوه و غذا، موسیقی ، عطریات، غیره.

حیوانات درنده و غیره نیز در جهانهای روحی مربوط به خود در عوالم روحی زندگی می کنند ، ولی در آن جهان به علت عدم نیاز به گوشت سایر حیوانات هیچ یک در صدد آزار دیگری بر نمی آید . آنها خوی درندگی خود را از دست می دهند و به مرحله تکاملی بالاتری در جهانهای روحی دست می یابند .
مجددا در باره چگونگی نحوه مصرف و خوردن غذا سوال شد و چنین پاسخ دادند:

به طور کلی ارواح احتیاج به مصرف غذا به صورت بشری را ندارند . درست است که شکل ظاهری جسم اثیری ارواح شبیه جسم مادی آنهاست ولی نیازی به معده جهت هضم و تخلیه غذا ندارند .
جهت مصرف غذا، ارواح قادرند در زمان استراحت غذای دلخواه و باب میل خود را با تاثیر عقل بر ماده به وجود آورند و به حد نیاز از وجود اثیری آن استفاده کنند نحوه غذا خوردن در جهان روحی به این ترتیب است که غذا را پس از تهیه در دهان می گذارند و از تمام این لذات و طعم و بوی غذا استفاده می کنند و سپس غذای مصرف شده جز جسم اثیری آنها می شود و تا مدتها لذت و طعم آن را خواهند چشید .

یکی دیگر از عجایب زندگانی روحی، مسکن و محل زیست و اجتماعات عمومی آنهاست و این سوالی است که افراد همیشه از روح شناسان میپرسند و همه می خواهند بدانند بشر پس از مرگ به چه صورت و در کجا زندگانی جاوید خواهد داشت.

هنوز برای اکثر مردم در جهان روشن نشده است که ارواح به صورت اجتماعی زندگانی می کنند و یا به صورت کلیهای دوره گرد دائما در حال گردش و جابجایی از محلی دیگرند و یا به طور دائم در حال سیر و سفر هستند . کلیه ارواح زمانی که از جهانهای روحی خبر می آورند ، درباره نحوه زندگی خود نیز صحبت می کنند و آنان درباره محل زیست خود چنین بیان داشته اند:

ارواح منازل خود را نسبت به تکامل عقلی و نیازهای خود بر پا می سازند . ساختن منازل و محیطهای زیست چون بناهای مادی در زمان حیات احتیاج به گچ و آهن و خشت ندارند، بلکه ارواح از تاثیر عقل بر ماده استفاده نموده و بنای دلخواه خود را در اندک مدتی می سازند و در آن به زندگی می پردازند. تزئینات داخل آن را نیز بر همین منوال تهیه و از آنها استفاده خواهند کرد ارواح در جهان سوم روحی دارای زندگی شهر نشینی می باشند و شهرهای ارواح به مراتب زیبا تر و تمیزتر از کلیه شهرهای موجود در کره خاکی است . ارواحی که سلیقه بیشتری دارند اطراف منازل خود را با گلهای بسیار زیبا و معطر تزئین می کنند و گیاهان زینتی بسیار زیبایی را پرورش می دهند . هر گاه ارواح از منزل و محل سکونت خود دل تنگ شوند ، با نیروی عقلی پیشرفته خود ، بنای جدیدی برای زندگانی خواهند ساخت.

.....

ملاحظه می فرمایید که ساختمانهای روحی به چه ترتیبی ساخته می شوند . البته لازم به ذکر است همانطوری که قبلا نیز بیان شد ، کلیه ساختمانهای روحی مشابه هم نیستند و هر یک از ارواح به نسبت عقل تکامل یافته و ذوق و سلیقه خود قادر به ساخت بناهای خود است و هر بنایی هم طبق خواست و نظر ارواح ساخته می شود . در بعضی بناهای روحی اتاقی به نام اتاق عبادت مشاهده شده است . زمانی که دلیل وجود چنین اتاقی از ارواح سوال می شود و منظور از عبادت در عالم روحی را می پرسیم ، چنین پاسخ می دهند :

منظور از عبادت پرستش خداوند بزرگ است و در جهانهای روحی پرستش خداوند به مراتب شدیدتر و قابل درک تر از عالم حیات مادی خواهد بود چون افراد بشر در زمان حیات خود قادر به درک وجود عظمت خداوند نبوده و به همین دلیل اکثر آنها توجه چندانی به اصل موجودیت خود نمی کنند ولی در این جهان وجود خداوند برای همگان مسلم و آشکار است به طوری که پرستش وی را ارواح واجب می دانند .

این گروه از ارواح پس از مدتی سرگردانی روحی به وجود خالق یکتا پی می برند و چون مدت زیادی در شناخت او تاخیر کرده اند ، لذا به اتاق پرستشگاه می روند و زمانی را با خداوند خود به راز و نیاز می پردازند و از اشتباهات خود در خصوص شناخت او عذر خواهی می کنند.

کسانی که در زمان حیات به وجود پی برده و شکی در وجود ذاتی او نداشته اند لازم نیست چون دیگران هر روزه جهت پرستش خداوند به اتاق عبادت رفته و خداوندی را عبادت کنند چون وضع روحی آنان از اول مشخص شده و جذب ذات خداوند خواهند شد . ولی کسانی که پس از مرگ شناختن جدیدی پیدا کرده اند می بایست جهت تکامل روحی دائما در زمانهای فراقت به عبادتگاهها روی آورند .

ارواح در جهان سوم روحی ، اتاقهای خود را بر مبنای خاص و عقل روحی خود مفروش می کنند و آنجا را با زیبا فرشهایی که در جهان حیات داشته و یا آرزوی داشتن آنها را داشته اند مفروش خواهند کرد . هنر ساختن اینگونه وسایل ذوق و سلیقه هر یک از آنان مربوط است .

منبع : شناخت ارواح – صفحه ۲۴۹ تا ۲۵۱

بریده ۱۰- حذف مطالب مربوط به عودت روح از اناجیل رسمی

در طول هفته ، جزوه ای مربوط به سیر تطبیقی مذاهب، که واحدش را در سالهای اول و دوم دانشگاه کلمبیا انتخاب کرده بودم ، مطالعه کردم . در این جزوه منابع بسیاری مربوط به بازگشت به جسم چه در عهد عتیق و چه در عهد جدید وجود داشت. در سال ۳۲۵ بعد از میلاد کنستانتین کبیر ، امپراتور روم ، به همراه مادرش هلنا ، این منابع موجد در عهد عتیق را حذف کردند. در دومین اجلاس کنسول ها در قسطنطنیه ، در سال ۵۵۳ بعد از میلاد ، این عمل تایید شد و اعلام شد که مفهوم بازگشت به جسم جرم محسوب می شود. ظاهرا گمان می کردند این مفهوم باعث می شود انسانها دریابند که برای رستگاری فرصت زیادی دارند و این از اقتدار رو به رشد کلیسا بکاهد. با این حال منبع اصلی وجود داشت، اولین کشیشان کلیسا مفهوم زندگی های متوالی را پذیرفته بودند. پیروان اولیه گنوسی (عرفان مسیحی قرون اولیه مسیحیت که برای متون مسیحی معانی عرفانی قائل بودند)، کلمنت اول در اسکندریه (اسقف قدیم روم) ، اریگن (اهل اسکندریه ، که از سال ۱۸۵ تا ۲۵۴ میلادی می زیسته و سعی کرده اصول عقاید مسیحیت را به صورت فلسفی ، مانند اصول فلسفه افلاطون ، در آورد) سن ژروم ، و بسیاری دیگر ، باور داشتند که پیشتر زندگی کرده اند و پس از این هم دوباره زندگی خواهند کرد

منبع: استادان بسیار زندگی های بسیار - صفحه ۳۱ - ۳۲

.....

بریده ۱۱- تحقیقات علمی دیگر در زمینه عود ارواح:

استیونسون بیش از دو هزار نمونه از خاطرات و تجربیات بازگشت به جسم کودکان را جمع آوری کرده است. برخی از خود حالت بیگانه‌نمایی نشان دادند، توانایی صحبت به زبانی بیگانه‌ای که هرگز یاد نگرفته‌اند. موارد گزارش شده او به دقت تکمیل شده، تحقیق به درستی انجام گرفته، و حقیقتا شاخص است.

مطلبی در مورد یک دیدگاه علمی بسیار عالی از ادگار میچل خواندم. با علاقه فراوان گزارشهای اس پی از دانشگاه دوک را آزمایش کردم. همچنین مقالات پروفیسور سی. جی. دوکاسه از دانشگاه براون را مطالعه کردم. با اشتیاق تحقیقات دکتر مارتین ابون، دکتر هلن ومباخ، دکتر گرتروود اشمیدلر، دکتر فردریک لنز و دکتر ادیت فیوره را تحلیل و بررسی کردم.

منبع: استادان بسیار زندگی های بسیار - صفحه ۳۶ - ۳۷

.....

هزاران موردی که در نوشته‌های علمی گزارش شده بود، مخصوصاً آنها که مربوط به بچه‌هایی می‌شد که به زبان‌های بیگانه‌ای حرف می‌زدند که هرگز نشنیده بودند، داشتن علامتی مادر زاد در همان قسمتی که در زندگی پیش‌تر زخم مهلک برداشته بود، همین بچه‌ها که از محل استتار یا دفن گنج‌های مختلف، هزاران مایل آنطرف‌تر و ده‌ها و صد‌ها سال پیش‌تر، با خبر بودند، همه منعکس‌کننده پیام کاترین بودند.

منبع: استادان بسیار زندگی های بسیار - صفحه ۵۵

.....

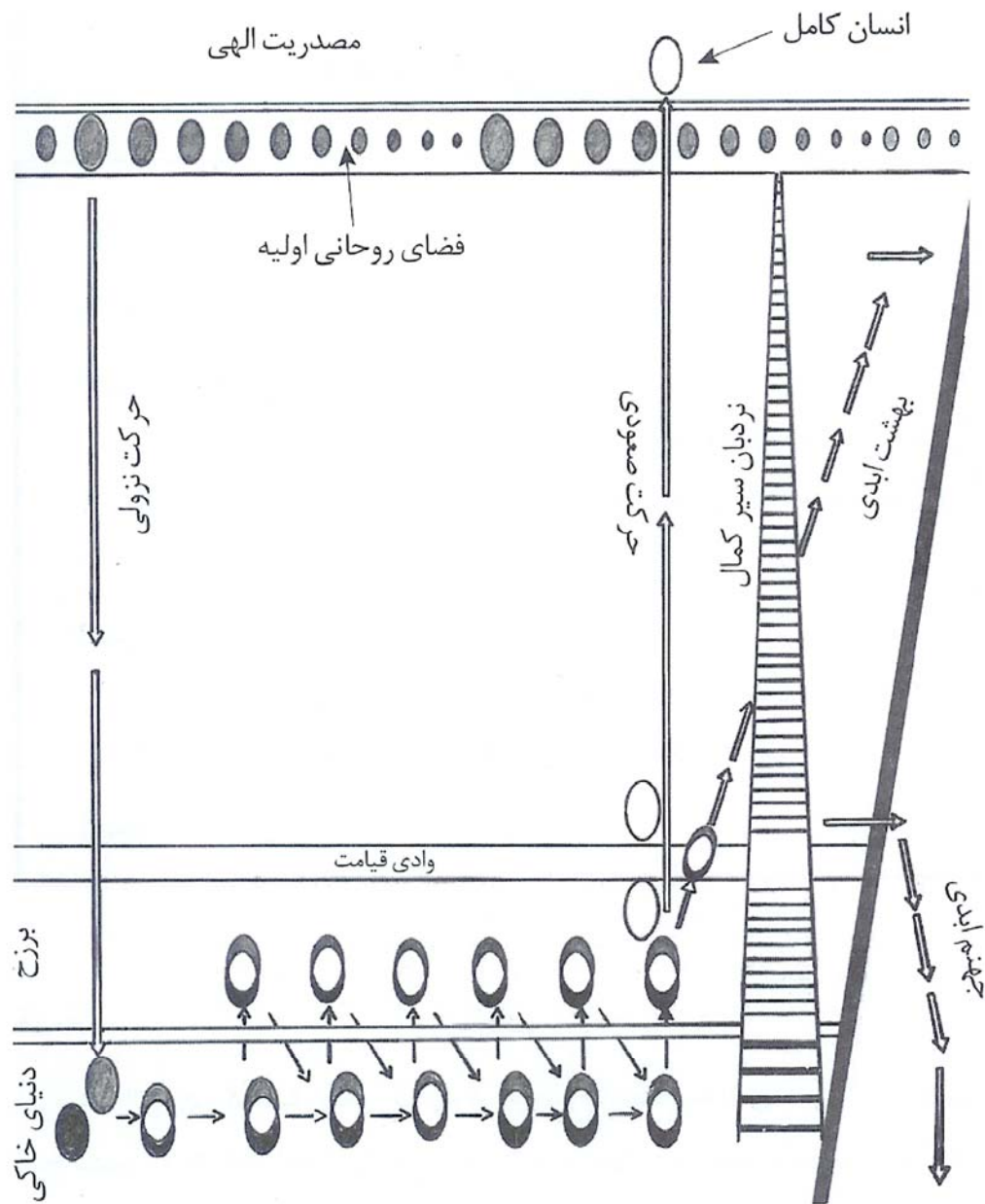
بریده ۱۲- هفت مرحله رشد روحی و اهمیت دیون

در مجموع هفت مرحله وجود دارد. هفت مرحله. هر کدام چندین سطح دارد. یکی از مراحل، مرحله بیاد آوردن است. در آن مرحله شما مجازید افکارتان را به خاطر بیاورید. مجازید آخرین زندگی‌ای که گذرانده‌اید را، ببینید. آنها که در سطوح بالاتری قرار دارند، اجازه دارند تاریخ را هم ببینند. آنها می‌توانند برگردند و با آموزش تاریخ، به ما یاد بدهند. اما ما که در سطوح پایین‌تری هستیم، فقط اجازه داریم آخرین... زندگی خودمان را ببینیم. شما دیونی دارید که باید پرداخته شود. اگر این دیون را نپردازید با خود به زندگی دیگری خواهید برد. تا فرصت داشته باشید به آن بپردازید. با ادای دیونتان، پیشرفت می‌کنید. بعضی از ارواح سریعتر از دیگران پیشرفت می‌کنند. وقتی در قالب مادی هستید و دارید به یک بدهی می‌پردازید، همه عمر فرصت دارید... اگر چیزی توانایی شما را... برای پرداخت آن بدهی سد کند، باید به مرحله به خاطر آوردن برگردید. و در آن جا باید صبر کنید، تا روحی که به او مدیون هستید به دیدن شما بیاید. و وقتی هر دوی شما بتوانید به قالب مادی برگردید، آن وقت اجازه خواهید یافت، برگردید. اما خودتان تصمیم می‌گیرید کی برگردید. خودتان تصمیم می‌گیرید برای پرداخت آن دین چه باید بکنید. زندگی‌های دیگران به خاطر آن نمی‌آید

..... فقط آخرین زندگی به یادتان می آید. فقط ارواح سطوح بالا تر ، آنها که بصیرت دارند مجازند تاریخ و رویداد های گذشته را به خاطر آورند..... تا به ما کمک کنند، به ما یاد بدهند چه باید بکنیم.

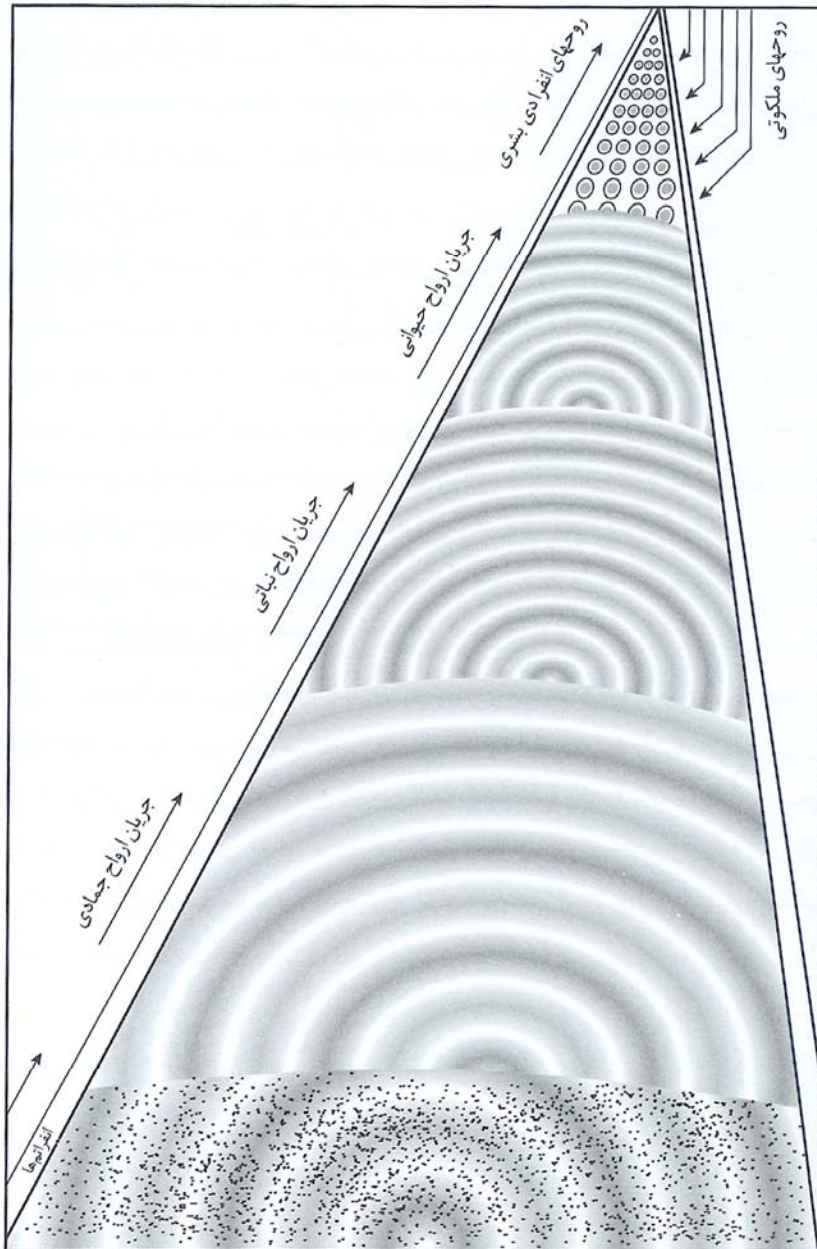
هفت مرحله وجود دارد. هفت مرحله که پیش از بازگشت باید از آنها بگذرید. یکی از آنها مرحله انتقال است. در آنجا منتظر می مانید . در آن مرحله تعیین می شود که برای زندگی بعد چه چیز را با خود بیاورید. همه شما یک نقطه ضعف غالب خواهید داشت. شاید طمع باشد، یا شهوت ، اما هرچه که باشد ، باید دین خود را به آن افراد بپردازید. بعد باید در آن زندگی بر این نقطه ضعف فائق شوید . باید یاد بگیرید که بر طمع فائق شوید. اگر یاد نگیرید در بازگشت دوباره ، باید این صفت را همانند صفات دیگر به زندگی بعد بیاورید. بارش سنگین تر خواهد شد. با هر زندگی که بگذرانید و در طی آن دیون تان را نپردازید ، زندگی بعد مشکل تر خواهد شد. اگر بپردازید ، زندگی آسان تری نصیبتان خواهد شد. به این ترتیب خودتان ، زندگی ای که خواهید داشت را انتخاب می کنید. در مرحله بعد مسئول آن زندگی ای خواهید بود که انتخاب کرده اید. خودتان انتخاب می کنید.

منبع: استادان بسیار زندگی های بسیار - صفحه ۱۸۳ - ۱۸۴



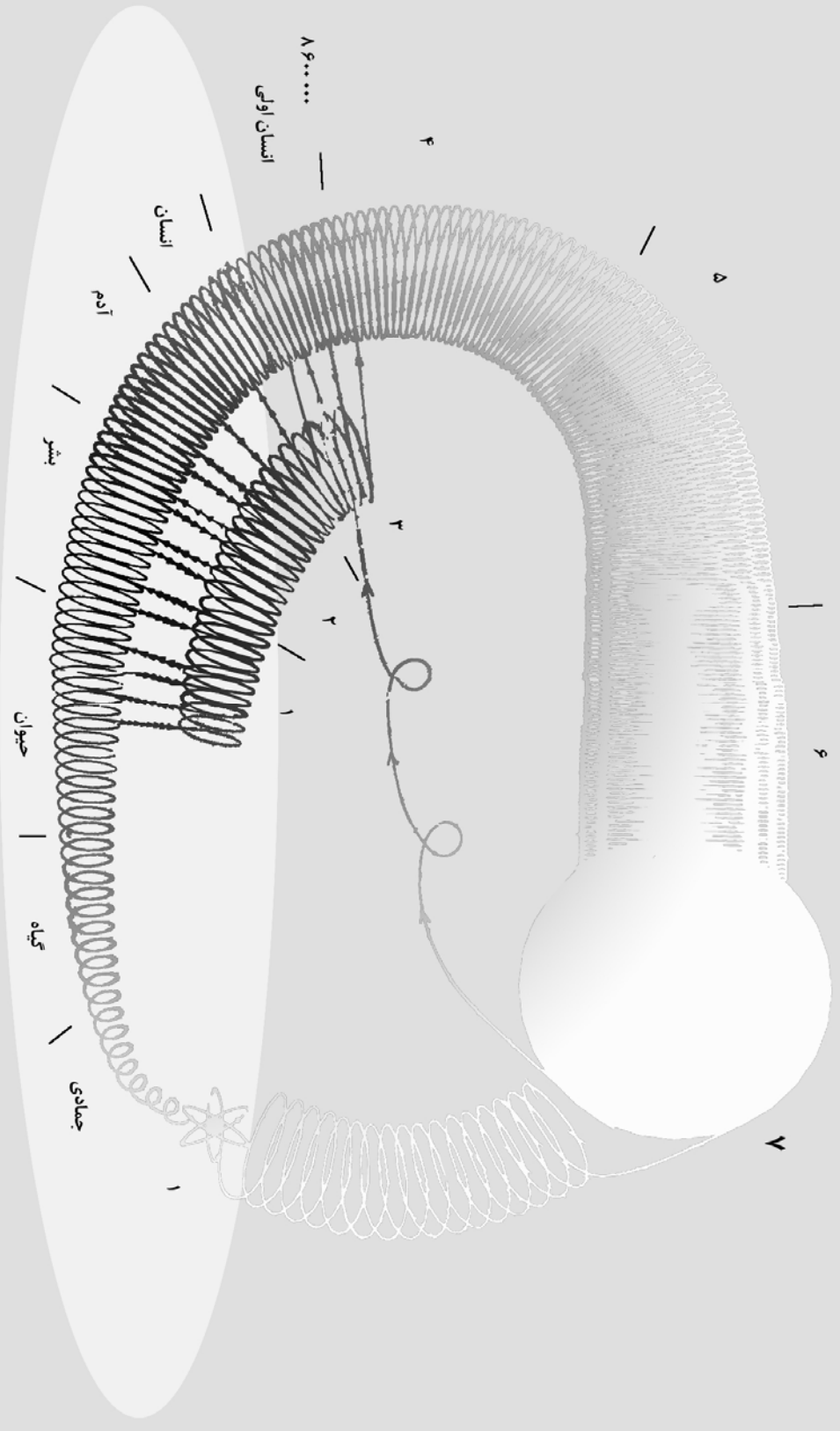
شکل ۱۵ - از کجا آمده‌ایم؟ چرا اینجا هستیم؟ چه باید بکنیم و به کجا می‌رویم؟

(کتاب مبانی معنویت فطری - صفحه ۱۶۰)



شکل ۱۰ - نمودار فرضی روند تکامل روحهای علی: رودخانه‌های متشکل از جریان روحها از انفراتمها تا روحهای انفرادی بشری.

(کتاب معنویت یک علم است - صفحه ۹۱)



حسن رهبر زاده

دایره خلقت

مأخذ الهامات روحی